

مرور مقدماتی آمارهای طلاق دهساله اخیر کشور

ارژنگ امیرخسروی*

مقدمه

طلاق یک رویداد مهم حیاتی است و از رده رویدادهای مشروط محسوب می شود. بدین معنی که پیش شرط وقوع طلاق وقوع رویداد ازدواج است بنابراین مادامیکه عقد ازدواج منعقد نشده باشد، بحث طلاق فاقد مفهوم لغوی است.

انحلال ازدواج دارای پیامدهای متعددی از جمله پیامدهای جمعیتی، اقتصادی و اجتماعی است که این پیامدها نقطه مقابل پیامدهای ازدواج می باشند. در بیان علمی طلاق به معنی خروج فرد از جامعه دارندگان همسر است و بنابراین در جهت تقلیل جامعه (در معرض رویداد باروری) عمل می کند. در نتیجه وقوع رویداد طلاق به معنی وارد شدن یک عامل بازدارنده (تغییر جمعیت و ترکیب آن و نیز تحولات مربوط به نیازهای جمعیتی و کارکرد آن)، در مجموعه عوامل مؤثر بر این فرایند می باشد. این گفته بدین معنی است که بررسی طلاق صرفاً از دید جمعیتی و به ویژه از جنبه سرپرستی، قیومت و یا حضانت اطفال، توجه به بخش کوچکی از این رویداد مهم محسوب می شود. همچنین باید توجه داشت که با عطف دیدگاه از خصوصیات بیولوژیک یا زیست شناختی افراد از قبیل سن و جنس و نژاد و... به

*- کارشناس ارشد دفتر آمار و اطلاعات جمعیتی سازمان ثبت احوال کشور و عضو هیئت علمی فصلنامه جمعیت

خصایصی که شامل روابط اقتصادی یا اجتماعی با افراد یا دستگاه ها و مؤسسات می شود، ارائه تعریف دقیق از رویداد طلاق پیچیده تر می گردد. زیرا که این روابط غالباً متأثر از تأثیر عواملی چون آداب و سنن و قوانین و مقررات جوامع می گردد، که از یک جامعه تا جامعه دیگر در حال تغییر است. این وضعیت موجب می شود که انجام مطالعات تطبیقی به ویژه در کشوری مثل ایران که مجموعه ای از فرهنگ و خرده فرهنگ ها را در خود جا داده است با دشواری روبرو گردد.

اضافه شود که بررسی طلاق در حد تحلیل علمی، برای شناخت عوامل مؤثر، کاری دشوار و خارج از حیطه کار فعلی است و شاید ضرورت تأسیس بنیاد مطالعاتی و تحقیقاتی مجزا برای بررسی مداوم پدیده طلاق و مجموعه عوامل مرتبط، و پیامدهای ذیربط با آن از موارد قابل بررسی باشد. به ویژه اطلاعات این بررسی نشان می دهد که متأسفانه افزایش کمی طلاق بگونه ایست که ضرورت بررسی آن را جهت جلوگیری از انحلال مفهوم خانواده این بنیان اصلی اجتماعی الزام آور می نماید.

مأخذ اطلاعات

منابع عمده آماری آنچنانکه شناخته شده است سه منبع عمده (یعنی سرشماری، نمونه گیری و آمارهای حیاتی حاصل از ثبت رویداد) منابع اصلی آمارهای طلاق و ازدواج محسوب می شوند. از بین این سه مأخذ، آمارهای این مقاله کلاً از اطلاعات سازمان ثبت احوال کشور اخذ شده است.

مأخذ اولیه تولید اطلاع

در این جا ضروری است، یادآور شود که ثبت رویداد ازدواج قانوناً در حیطه کار قوه قضائیه و واحدهای تابعه و ذیربط از قبیل سازمان ثبت اسناد و املاک و دفاتر اسناد رسمی

قرار دارد و این دفاتر مؤظف هستند که اعلامیه ثبت رویداد را جهت درج در اسناد سجلی به سازمان ثبت احوال و ادارات تابعه ارسال نمایند. در بررسی آمارهای طلاق نخستین مسأله مربوط به کمیت رویدادها است و طبعاً پاسخگوئی به این سؤال که چه تعداد از ازدواج‌ها و طلاق‌ها به سازمان ثبت احوال گزارش می‌شود امری دشوار است. زیرا که چهارچوب مطمئن و مورد قبول و به هنگام شده‌ای وجود ندارد. در واقع برای هر متخصصی یافتن پاسخ سؤال مذکور که تعیین کننده سطح کامل پوشش ثبت رویداد است به یک دشواری لاینحل تبدیل می‌گردد. زیرا که تاکنون در این زمینه کاری انجام نشده است. این مقوله شاید معلول عمومیت سنتی ازدواج و تبدیل آن به یک هدف نهائی زندگی بوده باشد. بدین معنی که حتمیت وقوع این رویداد و قلت تعداد طلاق‌ها و عدم اثرپذیری ازدواج از شرایط اقتصادی - اجتماعی جامعه در دوره‌های ماقبل موجبات بروز نیاز به بررسی طلاق‌ها و تبدیل آن به یک مشغله ذهنی را در محاق قرار داده بود. به عبارت دیگر ازدواج و طلاق در جامعه از چنان وضعیتی برخوردار بود که هرگز بحث تعویق ازدواج بخاطر مسائل و مشکلات اقتصادی و اجتماعی و یا عدم تحقق آن قابل طرح نبوده و زوجین خود را با شرایط دشوار زندگی سازگار دیده بودند. بنابراین حدود انتظارات و توقعات در حد روال متعارف جامعه برای زوجین طرح و تعیین می‌شده است. پس نه قوه قضائیه و نه سازمان ثبت اسناد و املاک ضرورتی به تدوین چهارچوب درست کار نمی‌دیدند به ویژه اینکه طی قرون متمادی این ضرورت تحت تأثیر آداب و سنن این جامعه (سازگار با فقر عمومی و ملتهب از نوسانات امنیتی و عدم ثبات اجتماعی) قرار داشته است. پس انتظار دستیابی به یک چهارچوب مطمئن به زمان دیگری موکول می‌شود به این امید که با اجرای طرح ساماندهی آمارهای حیاتی بتوان به این دشواری فائق آمد.

تعریف رویداد

نظام رده بندی جمعیت برحسب وضعیت همسرمداری از یک جامعه تا جامعه دیگر متغیر است و به قوانین و مقررات جاری و نیز آداب و رسوم ملل بستگی دارد، تلاش های متعددی

بعمل آمده تا در استفاده از کلمات به مفاهیم مشترک دست پیدا کنند. ثمره این تلاش ها در توصیه های سازمان ملل متحد و توصیه های بخش جمعیت این سازمان برای سرشماری سال ۱۹۷۰ منعکس شده است. برطبق توصیه های مذکور جمعیت از نظر وضعیت همسراری در چهار رده زیر قرار داده شده اند.

الف) هرگز ازدواج نکرده

ب) دارای همسر

ج) بیوه شده و مجدداً همسر اختیار نکرده

د) طلاق گرفته یا داده و ازدواج نکرده

حالت دیگری که در نظر گرفته شده شامل کسانی است که ازدواج کرده اند ولی قانوناً از یکدیگر جدا زندگی می کنند و بالاخره حالت محتمل دیگر مربوط به کسانی است که وضعیت همسراری آنها گزارش نشده است.

برطبق مندرجات نشریه «اصولی برای یک نظام آمارهای حیاتی»

Principles for a vital statistics system

ازدواج به معنی «پیوند قانونی دو شخص از دو جنس مخالف»

(the legal union of persons of opposite sex)

بوده و تعریف طلاق بصورت زیر ارائه شده است: «طلاق عبارتست از انحلال نهائی و قانونی یک ازدواج، یعنی جدائی زن و شوهر براساس حکم دادگاه است که به هر دو آنها حق قانونی و یا مذهبی ازدواج مجدد را براساس قوانین هر کشور می دهد»

دو عامل عمده مندرج در این تعریف از جمله محدودیت ها و نارسائی های تعریف طلاق محسوب می شوند و در آمار طلاق اثرگذار است که عبارتند از:

الف) صدور نهائی حکم طلاق

ب) درج اجازه ازدواج مجدد در حکم

هدف این محدودیت ها ظاهراً تفکیک احکام بدوی از احکام نهائی در مورد طلاق است بعبارت دیگر صدور حکم طلاق در مرحله بدایت ممکن است که مورد اعتراض یک یا هر دوطرفین قرار گیرد و در نتیجه صدور حکم در این مرحله احتمالاً منجر به جدائی نمی شود. علاوه براین در دست داشتن مجوز طلاق به معنی پایان قطعی زندگی مشترک و جدائی زن و شوهر نیست. نکته دوم مربوط است به قید صدور اجازه ازدواج مجدد. بدیهی است که می توان شواهد ناهماهنگی بین تعاریف بین المللی و وضعیت موجود در ایران را ملاحظه نمود. بدین ترتیب که حتی صدور حکم نهائی طلاق به معنی وقوع طلاق نیست بلکه ممکن است که پس از صدور رأی دادگاه تحت تأثیر عوامل مؤثر دیگر از قبیل خویشاوندی، ریش سفیدی، مشکلات ناشی از حضانت اطفال و عوامل متعدد دیگر زمینه بروز وقفه در اجرای حکم فراهم گردد. ثانیاً در ایران طبق موازین شرع امکان صدور طلاق رجعی وجود دارد و هر طلاق «باین» محسوب نمی شود و بدیهی است که اگر حکم طلاق رجعی صادر شده باشد، زوجین پس از ثبت رسمی طلاق در محضر می توانند با مراجعه به دفتر اسناد رسمی و اعلام انصراف از طلاق و آمادگی برای بازگشت به زوجیت به حالت همسررداری برگردند. ثانیاً این وضعیت از نظر آماری موجب افزایش صعودی آمار طلاق و ازدواج خواهد شد. در مورد عامل دوم نیز پرواضح است که صدور حکم ازدواج مجدد برای مردان در اسلام محدود و منوط به طلاق همسر قبلی نیست بلکه تحت شرایط معین قانونی مرد می تواند بیش از یک همسر داشته باشد. بدین ترتیب تناظر یک به یک بین رویدادهای ازدواج و طلاق و تعداد مردان ازدواج کرده یا طلاق داده (گرفته) برقرار نخواهد شد و این مبحث تنها در مورد کشورهای آنی که از قانون تک همسری تبعیت می کنند مصداق خواهد داشت.

فسخ - فسخ نکاح موجب جلوگیری از شروع زندگی مشترک میگردد. در حالیکه طلاق از تاریخ صدور حکم و ثبت آن در دفتر اسناد رسمی به زندگی مشترک پایان می دهد. در واقع می توان فسخ نکاح را به مفهوم از اعتبار ساقط کردن عقد ازدواج تلقی کرد که باز هم توسط مراجع قانونی انجام می شود.

تفاوت زمانی بین عقد ازدواج و انحلال یا فسخ آن با جدائی عملی زن و شوهر:

مورد دیگری که در آمارهای ازدواج و طلاق باید مورد توجه قرار گیرد وجود احتمالی تفاوت زمانی بین جاری شدن صیغه ازدواج یا طلاق و آغاز پیوند زوجین یا پایان آن می باشد. بدین ترتیب که زمان عقد شرعی ازدواج می تواند مقدم بر پیوند، تقریباً همزمان با پیوند یا مؤخر بر آن باشد. وضعیت مشابه در مورد طلاق مصداق دارد و احتمال می رود که گسستن پیوند قبل از صدور حکم طلاق و جاری شدن صیغه طلاق یا تقریباً همزمان با آن و یا حتی مدتها بعد از آن بوده باشد. این وضعیت موجب می شود تا کسانی که عملاً در وضعیت های همسررداری و بی همسری بر اثر طلاق قرار ندارند، از نظر قانونی در این رده ها قرار گیرند. متأسفانه تاکنون بررسی مشخصی که بتواند تغییرات فاصله زمانی بین صدور حکم طلاق و جدائی زن و شوهر از یکدیگر را اندازه گیری نموده باشد ملاحظه نگردید. همچنین در مورد زمان آغاز اختلاف زوجین و فاصله آن تا مراجعه به مراکز قضائی ذیربط و طول مدت مصروفه در این مراکز تا صدور طلاق و نیز تفاوت بین شکایات واصله و احکام صادره یا به عبارت دیگر آمار انصراف ها و اصلاح ذات البین ها و نظایر اطلاعاتی در دست نیست. در حالیکه از نظر توجه به تحکیم مبانی خانواده و اجتماع، بررسی موارد مذکور حائز اهمیت بوده و اثرگذار هستند. این عوامل می باید در کنار عوامل مؤثر بر اختلافات زوجین نظیر عوامل اقتصادی، فرهنگی، آموزشی، شغلی و... که هر یک در جای خود از نکات حائز اهمیت در مطالعه طلاق (از دید اجتماعی) هستند مورد بررسی همزمان و توأم قرار گیرند. ولی پائین بودن تعداد و نسبت طلاق ها در ماقبل زمینه ساز افزایش عوامل اغماض در بررسی تحلیلی طلاق گردیده است.

کاربردهای آمارهای طلاق

بخش اعظم آنچه که در مورد ازدواج گفته می شود در مورد طلاق نیز مصداق دارد. آمارهای طلاق در مواردی چون تحلیل تعداد افراد دارای همسر، بررسی و مطالعه خانواده و افراد غیر منسوب خانوار کاربرد دارد. البته طلاق یک عامل مهم در تحولات برخی از

مؤلفه های اجتماعی است ولی هیچ مؤلفه اجتماعی ضرورتاً در اثر طلاق نابود یا ایجاد نمی شود. از این رو که یک فرد بی همسر در اثر طلاق ممکن است که با فاصله زمانی اندک مجدداً ازدواج کرده و به ایجاد یک زوج جدید مساعدت نماید و در واقع به تأسیس خانواده خود اقدام کند یا مجدداً به مرحله سرپرستی و قیمومت یا حضانت اطفال نائل شود یا سکونت گاه و خانوار جدیدی بدست آورد.

آمارهای طلاق تأثیر غیرمستقیم و معکوسی در تحلیل باروری دارند. قابل پذیرش است اگر گفته شود که طلاق حداقل بصورت موقت، دوران در معرض بارداری قرار گرفتن فرد را خاتمه می دهد. سنجه های خالص باروری زناشویی احتمالاً تعداد سنوات زندگی مشترک در دوران باروری را لحاظ خواهند نمود. شاخص هائی چون (نرخ باروری ویژه سن)، یا (نرخ بارورنی ویژه دوره) برای ازدواج های بار اول و سایر ازدواج ها متفاوت خواهند بود. سطح و روند طلاق ها در بررسی های مربوط به مرگ و میرها و مهاجرت ها مؤثرند. نرخ های مرگ (ویژه سن - در سن) (Age for-age) افراد بی همسر در اثر طلاق نسبتاً بالا هستند و اخیراً مشخص شده است که این گروه آشکارا تمایل و رغبت بیشتری به مهاجرت دارند.

تمایل جامعه شناسان به بررسی پدیده طلاق از جنبه هائی چون شاخص پایداری ازدواج (index of marital stability)، ساماندهی نیازهای زندگی، درمان عاطفی افراد جدا شده و حضانت اطفال خانواده های شکسته شده و دریافت کمک برای افراد و شاید تشکیل مجدد خانواده نشأت می گیرد. زنان مطلقه غالباً ضرورت ورود یا ورود مجدد به بازار کار را حس می کنند تا بدینوسیله از تأمین یا پشتیبانی اقتصادی برخوردار گردند. یک مرد همسر طلاق داده با مسئولیت مضاعف روبرو است. او باید از همسر و فرزندان قبلی خود و نیز خانواده جدیدش پشتیبانی مالی و اقتصادی بعمل آورد و علاوه بر این نسبت به تأمین احتیاجات مالی خود نیز ناگزیر می باشد.

برخی از موارد مذکور برای اقتصاددانان نیز جالب توجه است. به اضافه اینکه تحلیل گران بازار یابی به پیامدهای طلاق در تعداد و ترکیب، نیازها و منابع مالی واحدهای مصرف کننده نیز علاقمندی نشان میدهند. هنگامی که طول مدت همسرداری با طلاق قطع می شود دارای پیامدهای جمعیت شناختی و جامعه شناختی مهمی است. زیرا که موجب اندازه گیری طول مدت همزیستی این خانواده ها یا خرده خانواده ها بعنوان یک واحد جمعیتی یا اجتماعی می گردد.

محدودیت های آمارهای طلاق

آمارهای طلاق تقریباً با همان محدودیتی هائی روبرو هستند که آمارهای ازدواج روبروست و رده بندی های انجام شده برای طلاق در رده بندی های کلان قوه قضائیه حتی این محدودیت ها را افزایش داده و آنها را از حالت معنی دار بودن برای جمعیت شناسی خارج می سازد. بعنوان مثال اگر ۸۵ درصد یا بیشتر علل طلاق در یک رده یعنی (اختلاف اخلاقی) خلاصه شود، بعید است که این رده بندی یک بعدی بتواند کاربردی در مطالعات تحلیلی جمعیت شناختی پیدا کنند. علاوه بر این همچنانکه قبلاً یادآور شد، ازدواج های شرعی و اقرار نامه ای هنوز هم (البته در مقیاس کوچکتر) در جامعه متداول هستند. بدیهی است که اطلاعات درج این نوع ازدواج ها و انحلال آنها در اطلاعات اعلامیه های ازدواج و طلاق نیازمند تجدیدنظر می باشد. زیرا اطلاعات مندرج در این اعلامیه ها بهیچوجه پاسخگوی نیازهای فعلی نیست. حتی اطلاعات ابتدائی نظیر اقلام و ارزش جهیزیه و مبلغ و نوع مهریه، وضعیت پرداخت (مقدم صداق) مهریه، هزینه نگهداری اطفال و نظایر اینها در اعلامیه های فعلی طلاق درج نمی شوند. یک نقضیه مهم دیگر که قبلاً مورد اشاره قرار گرفت، نبود چهارچوب درست آماری است و این امر یک دشواری جدی در زمینه آمارهای ازدواج و طلاق محسوب می شود.

محدودیت های آمارهای ازدواج و طلاق به نکات مذکور محدود نمی گردد، در واقع وضعیت تولید آمارهای این دو رویداد یک زمینه کاملاً بکر تولیدات آماری را تشکیل می دهد. در مورد رفع نواقص شاید برخی از نقایص که ناشی از مسائل درون سازمانی است از قابلیت حل و فصل راحت تری برخوردار گردد تا مسائلی که نیازمند همکاری دستگاه های دیگر است. بعنوان مثال کمبود دفاتر ازدواج و طلاق در برخی از استانها نظیر استان ایلام کاملاً ملموس و محسوس است و اصلاح آن از امکانات بالقوه و بالفعل سازمان ثبت احوال کشور خارج می باشد. در برخی استانهای دیگر نیز مانند استانهای هرمزگان و سیستان و بلوچستان این نارسائی وجود دارد. بدیهی است که در سطح شهرستان این نارسائی ملموس تر می گردد و حتی برخی از شهرستانهای استانهای مذکور کلاً فاقد دفتر ازدواج و طلاق می باشند. ولی برطرف کردن این نقیصه مستلزم تهیه مقدمات آن از طرف قوه قضائیه و سازمان ثبت اسناد و املاک می باشد. بالطبع اینها تنها زمینه های بروز نقایص برون سازمانی آمارهای ازدواج طلاق نیستند. بعنوان شاهد می توان به وضعیت ازدواج ایرانیان با خارجیان اشاره نمود. این ثبت رویدادها، در مورد کسانی که مایل به تغییر ملیت خود نیستند، دشواری ایجاد می کنند. این وضعیت به ویژه در مورد زنان ایرانی ازدواج کرده با خارجیان غیر مسلمان با دشواری مضاعف روبرو است. به ویژه اینکه قانون جمهوری اسلامی ایران تابعیت مضاعف را نپذیرفته است.

آمار ازدواج و طلاق در بین اقوام و مذاهب

از نظر آماری در حال حاضر کمتر اطلاعاتی در مورد ازدواج های درون گروهی و برون گروهی تولید می شود. هر چند که بحث قومیت در ایران تضعیف شده است ولی هنوز هم می توان در مناطقی چون ترکمن صحرا، طالش، مازندران شرقی، کردستان، خوزستان و

سیستان و... برخی از موانع را در مسیر ازدواج های برون گروهی برشمرد. عبارت دیگر ازدواج درون گروهی در این مناطق متداولتر است ولی در مورد تأثیر قومیت در طلاق و تفاوت احتمالی قومیت در میزانهای طلاق هیچ اطلاعی گردآوری و منتشر نمی شود و همچنین آمارهای مربوط به ازدواج و طلاق بین پیروان مذاهب و بویژه مذاهب اسلامی تولید نمی گردد تا بتوان بر مبنای آنها اطلاعاتی ارائه نمود. پیشاپیش می دانیم که ازدواج یک مرد مسلمان با یک زن غیر مسلمان امکان پذیر است ولی عکس این وضعیت مجاز نیست. اما در مورد ازدواج بین پیروان مذاهب مختلف اسلامی محدودیتی ذکر نشده است. گو اینکه نبود محدودیت ها و موانع به معنی پذیرش و استقبال عامه مردم نیست. در هر حال می توان پیش فرض وجود نرم های اجتماعی بازدارنده در مورد ازدواج بین پیروان مذاهب اسلامی را مطرح کرد، ولی بدست آوردن آمار و اطلاعات مربوطه چه در مورد شیوع و توسعه ازدواج و چه رواج و تداول طلاق بین گروه های مذهبی در حال حاضر بدلیل عدم تولید آنها امکان پذیر نیست.

موارد مربوط به تفاوت طبقاتی

علیرغم تضعیف زمینه هائی چون قومیت و... بی تردید تفاوت طبقاتی از مواردی است که به سرعت در کل جامعه در حال ازدیاد است. بویژه تفاوت های درآمدی و اقتصادی که شکاف فزاینده آن، هم در سطح یک جامعه و هم در بعد جغرافیائی، قابل ملاحظه است. بررسی های قبلی نشان داده است که امکان وقوع ازدواج در بین طبقات اجتماعی هرچند ناچیز وجود دارد ولی غالب این ازدواج ها به طلاق منجر می شوند. در حال حاضر چون آمارهای مورد نیاز این قبیل بررسی ها تولید نمی شود، امکان اظهار نظر در این زمینه محدود به بررسی قبلی است.

عوامل مؤثر در تحلیل طلاق

اغلب متغیرهای جمعیتی و اقتصادی - اجتماعی مطرح شده در مطالعات جمعیت شناختی را می توان در بررسی و تحلیل طلاق مورد توجه قرارداد. این متغیرها اعم از اینکه بعنوان یک متغیر (پیش بینی کننده) یا متغیر (تنظیم کننده) در نظر گرفته شوند، در این بحث دخیل هستند. بدین ترتیب نرخ های طلاق را می توان برحسب سن، جنس، قومیت، نژاد، زادگاه، زیستگاه، وضعیت قبلی همسررداری، مهاجرت، شغل، سطح تحصیلات، مذهب، شرایط جهانی و غیره محاسبه نمود. نسبت جنسی (در جامعه در معرض رویداد ازدواج) نیز می تواند در نرخ طلاق مؤثر باشد، همچنین می توان طلاق را در ارتباط با باروری، مرگ و مهاجرت بین المللی یا داخلی مورد مطالعه قرارداد. حتی تفاوت ها در مقررات و قوانین و عادات و رسوم باید در محاسبه و تجزیه و تحلیل لحاظ شوند. بررسی سری زمانی و نوسانات فصلی رویدادها و انجام مطالعات تطبیقی بین مناطق و استانها نیز از جمله زمینه های مطالعه محسوب می شوند.

نرخ خام طلاق

ساده ترین و رایج ترین سنجه های طلاق و انحلال ازدواج نرخ خام طلاق است. این نرخ بصورت تعداد طلاق به ازاء هر ده هزار یا هزار نفر جمعیت محاسبه می شود. در بیان ریاضی داریم:

$$d = \frac{D}{P} \times K$$

که در آن:

d = نرخ خام طلاق

D = تعداد طلاق های بوقوع پیوسته در طول یک سال شمسی در یک جامعه

P = جمعیت میان دوره ای در همان جامعه مورد بررسی است.

در مورد کشور ایران همچنانکه در جداول شماره ۱ و ۲ آورده شده است، نرخ طلاق در حال افزایش است. همچنین مرور این جداول نشان می دهد که از نظر کمی تعداد طلاق ها در کل کشور در سال ۱۳۷۱ بالغ بر ۲۳۹۸۲ فقره گزارش شده است. تحولات بعدی تعداد رویدادها تا سال ۱۳۷۹ در جداول مذکور ارائه شده است و ملاحظه می شود که تعداد طلاق ها در سال ۱۳۷۹ جمعا به ۵۳۷۹۷ رویداد بالغ گردیده است و این تغییر حاکی از افزایشی بیش از افزایش نسبی جمعیت است.

تفاوت های استانی در تعداد و نرخ های خام طلاق

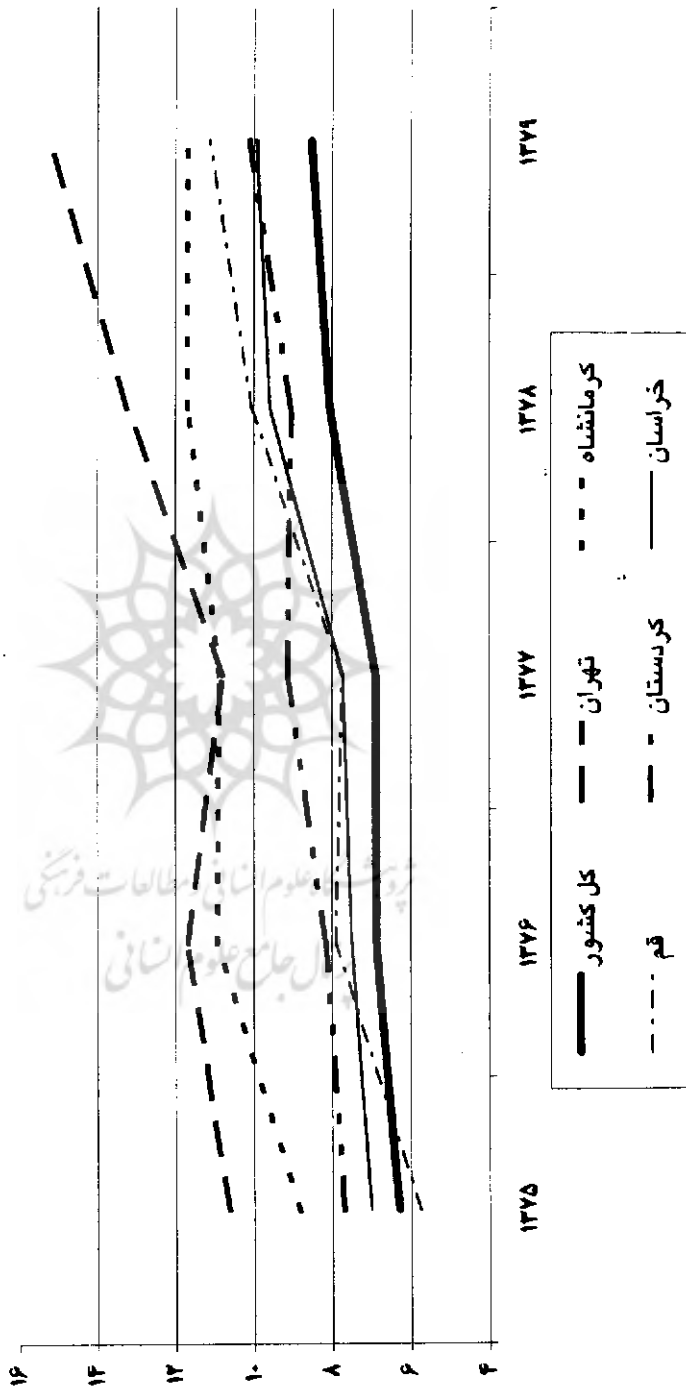
نرخ طلاق در کل کشور طی سالهای ۱۳۷۵ تا ۱۳۷۹ از ۶/۳ در ده هزار به ۸/۵ در ده هزار افزایش یافته است. باتوجه به اینکه نرخ خام طلاق یک شاخص متمرکز است افزایش ۳۵ درصدی در نرخ طلاق حائز اهمیت است و باید توجه داشت که یک رکورد یا پیشینه بی سابقه در تاریخ تحولات طلاق کشور محسوب می شود. (رجوع شود به جدول شماره ۱) در بین استانهای کشور استان تهران متاسفانه جایگاه نخست را در تعداد طلاق های ثبت شده کشور بخود اختصاص داده است. تغییرات نرخ طلاق در این استان پرجمعیت کشور از ۱۰/۶ در ده هزار به ۱۵/۲ در ده هزار طی دوره ۱۳۷۵ تا ۱۳۷۹ بالغ شده است و تعداد طلاق های استان تهران نیز از ۱۰۹۷۷ رویداد ثبت شده در سال ۱۳۷۵ به سرعت به ۱۶۳۳۴ رویداد در سال ۱۳۷۹ افزایش یافته است (نمودار شماره ۱ نشان دهنده تغییرات نرخ طلاق در تهران و پنج استان رده اول با کل کشور می باشد).

در سال ۱۳۷۹ پس از استان تهران به ترتیب استانهای کرمانشاه و قم با نرخ های ۱۱/۶۹ در ده هزار و ۱۱/۱۳ در ده هزار در رده های دوم و سوم قرار داشته اند. بالا بودن میزان طلاق در کرمانشاه مسبوق به سابقه است، ولی افزایش سریع طلاق در شهر مذهبی قم پدیده جدیدی است که نیازمند تأمل است. در استان اخیر نرخ طلاق از ۵/۷۴ در

جدول ۱: اعداد و نرخ طلاق های ثبت شده در کل کشور در سالهای مختلف بر حسب استان

۱۳۷۹		۱۳۷۸		۱۳۷۷		۱۳۷۶		۱۳۷۵		سال
نرخ در ۱۰۰۰۰	تعداد	نرخ در ۱۰۰۰۰	تعداد	نرخ در ۱۰۰۰۰	تعداد	نرخ در ۱۰۰۰۰	تعداد	نرخ در ۱۰۰۰۰	تعداد	استان
۸.۵۴	۵۳۲۹۷	۸.۰۵	۵۰۱۷۹	۶.۸۹	۴۲۳۹۱	۶.۸۷	۴۱۸۱۶	۶.۲۰	۳۷۸۱۷	کل کشور
۵.۳۵	۱۸۶۱	۵.۸۸	۲۰۲۶	۵.۸۴	۱۹۸۵	۵.۲۲	۱۷۸۹	۵.۱۴	۱۷۰۹	آذربایجان شرقی
۶.۷۲	۱۷۹۴	۶.۲۹	۱۶۵۷	۶.۰۲	۱۵۶۳	۵.۵۰	۱۴۰۷	۶.۱۵	۱۵۳۴	آذربایجان غربی
۶.۴۱	۷۹۶	۵.۲۷	۶۴۸	۴.۰۳	۴۸۸	۳.۶۷	۴۳۵	۳.۹۰	۴۵۵	اردبیل
۷.۷۶	۳۱۴۹	۷.۹۵	۳۱۹۹	۶.۵۲	۳۶۰۲	۵.۸۵	۳۳۱۳	۵.۸۲	۲۳۸۵	اصفهان
۱.۸۵	۹۴	۱.۵۵	۷۸	۱.۷۴	۸۷	۱.۴۶	۷۲	۱.۷۰	۸۳	ایلام
۸.۱۹	۶۴۶	۶.۶۹	۵۱۵	۵.۷۹	۴۴۰	۵.۵۷	۴۱۹	۴.۳۶	۳۱۷	بوشهر
۱۵.۳۴	۱۶۳۴۴	۱۳.۳۳	۱۴۰۶۵	۱۰.۷۶	۱۱۳۳۸	۱۱.۷۰	۱۲۳۱۱	۱۰.۶۱	۱۰۹۷۷	تهران
۲.۷۹	۲۳۶	۲.۰۶	۱۶۵	۳.۵۰	۱۹۷	۲.۳۷	۱۸۴	۲.۰۳	۱۵۴	چهارمحال و بختیاری
۹.۹۳	۶۳۴۷	۹.۵۸	۶۰۴۷	۷.۷۳	۴۸۰۴	۷.۵۰	۴۵۹۸	۷.۰۰	۴۳۳۶	خراسان
۵.۲۸	۲۱۴۱	۵.۲۲	۲۰۵۱	۵.۲۹	۲۰۴۳	۵.۳۶	۲۰۳۷	۴.۸۴	۱۸۱۵	خوزستان
۵.۸۳	۵۵۰	۷.۱۴	۶۶۷	۴.۴۱	۴۰۷	۴.۷۳	۴۳۲	۵.۳۴	۴۸۱	زنجان
۵.۶۲	۲۹۲	۴.۸۳	۳۴۸	۴.۵۰	۳۳۰	۵.۰۰	۳۵۳	۴.۰۳	۲۰۲	سمنان
۲.۲۵	۴۲۸	۵.۲۳	۹۷۳	۲.۴۲	۴۳۷	۲.۳۳	۳۹۴	۱.۵۰	۲۵۹	سیستان و بلوچستان
۸.۰۴	۳۲۰۰	۷.۵۷	۳۹۸۵	۶.۴۸	۳۵۳۵	۵.۰۹	۱۹۶۶	۵.۱۶	۱۹۶۹	فارس
۶.۱۶	۶۲۱	۴.۸۳	۴۸۳	۵.۹۷	۵۹۰	۶.۳۹	۶۳۵	۴.۷۶	۴۶۱	لazioین
۱۱.۱۲	۹۹۳	۱۰.۰۴	۸۸۶	۷.۷۵	۶۷۶	۷.۹۱	۶۸۲	۵.۲۴	۴۹۰	قم
۱۰.۱۲	۱۴۳۱	۹.۰۳	۱۳۶۵	۹.۱۴	۱۳۶۶	۸.۱۶	۱۱۱۴	۷.۶۹	۱۰۳۶	کردستان
۵.۴۷	۱۱۶۷	۵.۴۵	۱۱۵۰	۵.۳۳	۱۱۰۴	۵.۸۵	۱۱۹۲	۴.۹۱	۹۸۵	کرمان
۱۱.۶۹	۳۱۷۴	۱۱.۶۷	۳۱۵۰	۱۰.۸۵	۱۹۷۸	۱۰.۹۲	۱۹۶۹	۸.۸۰	۱۵۶۶	کرمانشاه
۳.۵۳	۲۰۵	۳.۶۶	۲۱۶	۲.۹۰	۱۶۳	۲.۵۶	۱۴۲	۲.۳۳	۱۲۷	گیلکویه و بویراحمد
۴.۶۱	۶۹۱	۳.۱۹	۴۷۳	۳.۲۷	۴۷۹	۳.۱۶	۴۵۸	۳.۰۹	۴۴۱	گلستان
۶.۶۱	۱۵۴۴	۶.۷۵	۱۵۵۵	۵.۴۲	۱۳۳۹	۵.۲۳	۱۲۹۸	۷.۷۷	۱۷۴۲	گیلان
۶.۸۳	۱۱۴۷	۷.۰۳	۱۱۶۵	۶.۴۶	۱۰۵۴	۶.۲۱	۱۰۰۰	۵.۴۶	۸۶۵	لرستان
۸.۶۷	۳۳۳۸	۸.۰۰	۳۱۳۷	۶.۹۱	۱۸۳۰	۶.۵۳	۱۷۱۲	۵.۹۴	۱۵۴۵	مازندران
۸.۵۳	۱۰۸۷	۷.۹۶	۱۰۰۶	۶.۳۳	۷۹۳	۸.۲۶	۱۰۲۵	۳.۵۶	۴۲۷	مرکزی
۷.۰۹	۸۱۶	۶.۴۶	۷۱۰	۵.۹۶	۶۶۴	۵.۴۸	۵۹۴	۳.۸۴	۴۰۸	هرمزگان
۸.۵۳	۱۴۹۰	۸.۳۳	۱۴۴۰	۷.۱۱	۱۳۱۸	۷.۲۴	۱۳۴۵	۶.۰۵	۱۰۱۶	همدان
۳.۲۷	۲۵۶	۲.۸۵	۲۲۱	۲.۶۲	۲۰۱	۳.۲۰	۲۵۰	۲.۹۶	۲۲۳	یزد

نمودار ۱ :
تغییرات نرخ طلائی در پنج استان رده اول در سال ۱۳۷۹ و کل کشور بر حسب سال



ده هزار در سال ۱۳۷۵ به ۱۱/۱۳ در ده هزار در سال ۱۳۷۹ بالغ گردیده است.

در بین استانهای کشور نرخ طلاق در استان کوچک و مرزی ایلام با ۱/۸۵ در ده هزار، پائین ترین سطح را بخود اختصاص داده است. استانهای سیستان و بلوچستان و چهارمحال بختیاری با نرخ های ۲/۲۵ و ۲/۷۹ در ده هزار در رده های ماقبل ایلام قرار دارند و نشان میدهند که کماکان قبح طلاق در این جوامع به قوت خود باقی است و به همین دلیل خانواده ها از استحکام بیشتری برخوردارند.

بالا بودن میزان طلاق در تهران که مسبوق به سابقه هم هست بدلیل بالا بودن حجم جمعیتی استان و موقعیت عمومی آن در کشور بعنوان شهر مرکز و یک شهر اثر گذار مستلزم بررسی جداگانه است. بررسی روند تحولات طلاق تهران از نظر شاخص تغییرات آن و نسبت تعداد ازدواج ها به طلاق ها مجموعاً مؤید وضعیت فوق است. همچنانکه در بالا گفته شد دامنه تغییرات نرخ طلاق از ۱/۸۵ در ده هزار برای استان ایلام تا ۱۵/۲۴ در ده هزار در تهران طی سال ۱۳۷۹ در نوسان بوده است. ولی موقعیت استانهای اول و آخر در بررسی سنواتی پنج ساله اخیر حفظ شده است. همچنین موقعیت استان کرمانشاه بعنوان استان دوم از نظر بالا بودن نرخ طلاق یک استثناء محسوب میشود. ولی رتبه سایر استانها در سنوات دیگر اندکی جابجا شده است. بعنوان مثال استان سیستان و بلوچستان که از نظر نرخ طلاق در سال ۱۳۷۹ در رده ماقبل آخر قرار داشته است در سال ۱۳۷۸ به رده هفتم از آخر صعود کرده است. همچنین در مورد استان قم که در سال ۱۳۷۹ در رده سوم از نظر نرخ طلاق قرار داشته است با مرور جدول شماره ۱ ملاحظه میشود که مثلاً در سال ۱۳۷۷ نرخ طلاق در این استان ۷/۷۵ در ده هزار بوده که در رده استان خراسان (با ۷/۷۳ در ده هزار) قرار داشته است و بعد از استان های تهران و کرمانشاه و کردستان در رده چهارم قرار گرفته بوده. همین استان در سال ۱۳۷۵ با نرخ طلاق ۵/۷۴ در ده هزار حتی از میانگین کل کشور که نرخ آن ۶/۳۰ در ده هزار بوده پائین تر قرار گرفته است و از نظر رده بندی استانها بر حسب نرخ طلاق در رده نهم جای داشته است. بدین ترتیب ملاحظه می شود که

استان قم بسرعت در حال نزدیک شدن به رده اول است و افزایش نرخ طلاق استان مذکور در رده معدود استان هائی است که بسرعت در تعقیب استان تهران قراردارند.

تطبیق ازدواج هاو طلاق ها

یک روش دیگر بررسی طلاق برقراری رابطه بین ازدواج ها و طلاق ها می باشد.

این کاربه طرق مختلف امکان پذیر است که اهم آنها عبارتند از :

الف - بررسی طلاق در جامعه در معرض رویداد

ب - بررسی طلاق در بین ازدواج های یک جرگه (cohort) *

ج - بررسی و تطبیق ازدواج هاو طلاق های یک مقطع زمانی با یکدیگر .

د - محاسبه احتمال طلاق ها بر مبنای سن یا طول مدت همسررداری.

در هر حال متناسب ساختن طلاق ها به همان ازدواج ها که در رده مطالعات جرگه ای قرار دارد ممکن است در مواردی با یک وضعیت استثنائی روبرو شود. بدین ترتیب که اعضاء یک جرگه بدلیل گشایش اقتصادی یا مشکلات اقتصادی اقدام به جدائی و طلاق نمایند یا انجام آن را موقتاً به تأخیر اندازند ولی بدیهی است که پس از سپری شدن آن دوره خاص مالی، هجوم برای طلاق و جبران تأخیر باشدت دنبال میشود . نظیر این وضعیت رامی توان در زمان جنگ نیز ملاحظه نمود. بدین ترتیب که در زمان جنگ بدلیل محدودیت فرصت ازدواج و پائین بودن احتمال همسر یابی ممکن است که اقدام به طلاق به تاخیر افتد ولی با پایان گرفتن جنگ و بهبود بازار ازدواج ، این تأخیر در طلاق، با هجوم برای جدائی جبران می گردد.

سازمان ملل متحد از اصطلاح نرخ خام تعدیل شده (Modified Crude Divorce Rate**) استفاده کرده تا نرخ های طلاق را بر مبنای ازدواج ها و زوج های دارای همسر محاسبه نماید. محاسبه این شاخص بدلیل عدم دقت در تعداد و ارقام مخرج کسر با دشواری همراه است. رابطه مورد نظر در بیان ریاضی بصورت زیر است:

$$d_{mar} = \frac{D}{p_m^{m(orf)}}$$

در رابطه فوق:

d_{mar} = نرخ طلاق در بین دارندگان همسر

D = تعداد طلاق رویداده در طی یک دوره زمانی مثلاً یک سال

$p_m^{m(orf)}$ = تعداد جمعیت مرد دارای همسر

p_m^f = تعداد جمعیت زن دارای همسر می باشد.

در هر حال بدلیل محدودیت اقلام اطلاعاتی در این جا امکان متناسب کردن طلاق ها به جرگه مربوطه میسر نیست و ناگزیر نسبت تعداد ازدواج ها به طلاقها محاسبه شده است. مقدماتاً جهت تسهیل کار، تعداد و نرخ ازدواج های کل کشور به تفکیک استان و سال در جداول شماره ۲ و ۳ ارائه شده است.

مرور اطلاعات این جداول حاکی از اینست که جز در مورد استانهائی که مشکل ایجاد دفتر اسناد ازدواج و طلاق در آنها حل نشده است (مانند ایلام و سیستان و بلوچستان) در بقیه استانها نرخ های خام ازدواج به یکدیگر نزدیک است و بعبارت دیگر بدلیل عمومیت ازدواج نرخ های ازدواج استانها در محدوده معینی در حول و حوش میانگین، متمرکز گردیده است. از طرف دیگر بررسی سری زمانی نرخ های ازدواج حاکی از تغییرات اندک سنواتی است که احتمالاً این تغییرات نیز با عملکرد آماری ادارات کل استانها مرتبط می باشند. علی ایحال نرخ خام ازدواج در سالهای ۱۳۷۸ و ۱۳۷۹ در حدود ۱۰ در هزار

** United Nations Hand Book of Vital Statistics Methods p.195

جدول ۳: تعداد و نرخ ازدواج های ثبت شده در کل کشور در سالهای مختلف بر حسب استان

۱۳۷۹		۱۳۷۸		۱۳۷۷		۱۳۷۶		۱۳۷۵		سال
تعداد	نرخ بر ۱۰۰۰	تعداد	نرخ بر ۱۰۰۰	تعداد	نرخ بر ۱۰۰۰	تعداد	نرخ بر ۱۰۰۰	تعداد	نرخ بر ۱۰۰۰	استان
۶۴۶۴۹۸	۱۰.۳	۶۱۶۵۱۹	۹.۸	۵۳۱۴۹۰	۸.۶	۵۱۱۴۰۱	۸.۴	۴۷۹۲۶۳	۸.۰	کل کشور
۳۸۵۳۴	۱۱.۱	۳۷۵۶۲	۱۰.۹	۳۳۰۶۵	۹.۷	۳۲۱۷۲	۹.۶	۳۰۳۳۰	۹.۱	آذربایجان شرقی
۳۸۱۰۸	۱۰.۵	۳۴۶۳۴	۹.۳	۲۱۴۳۱	۸.۲	۲۰۰۶۶	۷.۸	۱۹۹۹۵	۸.۰	آذربایجان غربی
۱۴۵۲۷	۱۱.۷	۱۳۰۴۵	۱۰.۶	۱۲۳۱۰	۱۰.۲	۱۰۵۶۶	۸.۹	۱۰۱۲۳	۸.۷	اردبیل
۴۲۳۷۷	۱۰.۴	۴۰۴۹۰	۱۰.۱	۳۶۷۹۴	۹.۳	۳۶۱۵۷	۹.۱	۳۴۲۸۶	۸.۷	اصفهان
۳۸۱۹	۵.۵	۳۶۵۲	۵.۳	۳۵۳۵	۵.۱	۳۳۹۵	۴.۹	۳۲۵۷	۵.۴	ایلام
۷۹۸۸	۱۰.۳	۷۶۷۸	۱۰.۰	۶۶۳۲	۸.۷	۵۵۵۳	۷.۸	۵۰۴۵	۶.۸	بوشهر
۹۹۶۰۱	۹.۳	۹۲۴۵۹	۸.۷	۸۰۳۱۶	۷.۶	۸۵۷۷۰	۸.۲	۷۸۲۷۰	۷.۶	تهران
۸۲۳۷	۱۰.۲	۷۰۵۱	۸.۸	۷۳۶۵	۹.۳	۶۵۹۲	۸.۵	۶۶۴۱	۸.۷	چهارمحال و بختیاری
۷۶۲۱۲	۱۱.۹	۷۳۲۹۶	۱۱.۶	۶۰۸۵۴	۹.۸	۵۶۸۱۳	۹.۳	۵۳۵۷۹	۸.۹	خراسان
۳۴۱۸۹	۸.۶	۳۲۱۶۵	۸.۳	۲۷۲۲۱	۷.۲	۲۶۵۰۰	۷.۰	۲۵۲۸۲	۶.۷	خوزستان
۱۰۳۶۹	۱۱.۰	۱۰۰۱۰	۱۰.۷	۸۱۴۳	۸.۸	۷۴۹۷	۸.۲	۷۲۹۲	۸.۱	زنجان
۵۴۳۱	۱۰.۵	۴۸۰۸	۹.۳	۴۴۸۲	۸.۸	۴۳۹۲	۸.۵	۳۹۹۹	۷.۹	سمنان
۱۲۱۴۸	۶.۴	۱۵۳۵۹	۸.۳	۹۶۸۵	۵.۴	۸۳۲۷	۴.۷	۷۷۰۹	۴.۵	سیستان و بلوچستان
۴۱۳۶۹	۱۰.۴	۳۹۰۲۴	۹.۹	۳۲۱۷۸	۸.۳	۳۰۵۶۷	۷.۹	۲۸۸۵۶	۷.۶	فارس
۱۱۶۳۵	۱۱.۵	۱۰۶۵۲	۱۰.۷	۹۰۸۵	۹.۲	۸۰۶۷۲	۱۰.۹	۷۸۴۲	۸.۱	قزوین
۱۰۱۰۴	۱۱.۳	۹۳۱۷	۱۰.۴	۷۷۸۷	۸.۹	۷۸۳۲	۹.۱	۷۳۰۳	۸.۶	قم
۱۳۸۷۴	۹.۸	۱۳۱۵۴	۹.۴	۱۲۲۵۱	۸.۸	۱۱۵۷۱	۸.۵	۱۰۹۷۲	۸.۱	کردستان
۳۱۹۳۹	۱۰.۳	۲۱۲۰۹	۱۰.۱	۱۷۵۵۷	۸.۵	۱۶۱۰۰	۷.۹	۱۵۵۲۱	۷.۹	کرمان
۱۸۱۸۳	۹.۸	۱۶۴۵۶	۸.۹	۱۵۹۶۷	۸.۸	۱۵۲۵۸	۸.۵	۱۴۲۴۱	۸.۰	کرمانشاه
۴۷۸۲	۸.۲	۴۲۴۱	۷.۴	۳۸۸۲	۶.۹	۳۵۱۳	۶.۳	۳۹۵۶	۵.۴	گیلانویه و بویراحمد
۱۴۷۵۴	۹.۸	۱۳۱۴۶	۸.۹	۱۲۰۷۷	۸.۲	۱۰۶۸۸	۷.۴	۹۷۰۲	۶.۸	گلستان
۳۶۳۳۴	۱۱.۳	۳۶۳۲۲	۱۱.۴	۳۴۲۹۰	۱۰.۶	۳۲۷۰۲	۱۰.۰	۳۱۸۰۴	۹.۷	گیلان
۱۷۰۴۱	۱۰.۳	۱۵۷۳۵	۹.۵	۱۴۰۷۸	۸.۶	۱۳۴۱۲	۸.۳	۱۱۶۱۲	۷.۲	لرستان
۳۲۵۵۶	۱۲.۱	۳۱۷۶۲	۱۱.۹	۲۸۲۲۲	۱۰.۷	۲۵۵۵۷	۹.۷	۲۳۲۱۷	۹.۱	مازندران
۱۴۳۸۵	۱۱.۳	۱۲۶۶۲	۱۰.۳	۱۱۳۲۹	۹.۰	۱۱۳۹۱	۹.۱	۱۰۸۳۵	۸.۸	مرکزی
۱۰۱۰۲	۸.۸	۹۸۷۸	۸.۷	۸۱۸۸	۷.۳	۷۱۷۹	۶.۶	۶۹۱۰	۶.۵	هرمزگان
۱۹۰۹۱	۱۰.۹	۱۷۴۵۵	۱۰.۱	۱۵۴۲۰	۹.۰	۱۵۰۷۸	۸.۹	۱۴۶۳۱	۸.۷	همدان
۹۸۷۸	۱۲.۶	۹۰۰۵	۱۱.۶	۷۵۸۶	۹.۹	۷۰۸۱	۹.۲	۶۸۹۱	۹.۲	برد

جدول 4: تعداد و مشخصات ادوات های ثبت شده در کل کشور بر حسب استان در سالهای مختلف و مشخصات تغییرات آنها

سال	استان											
	۱۳۶۱	۱۳۶۲	۱۳۶۳	۱۳۶۴	۱۳۶۵	۱۳۶۶	۱۳۶۷	۱۳۶۸	۱۳۶۹	۱۳۷۰	۱۳۷۱	۱۳۷۲
کل کشور	۱۳۵۰۷	۱۳۵۳۲	۱۳۵۴۸	۱۳۵۶۳	۱۳۵۷۹	۱۳۵۹۴	۱۳۶۰۹	۱۳۶۲۴	۱۳۶۳۹	۱۳۶۵۴	۱۳۶۶۹	۱۳۶۸۴
آذربایجان شرقی	۳۱۲۷	۳۱۳۲	۳۱۳۷	۳۱۴۲	۳۱۴۷	۳۱۵۲	۳۱۵۷	۳۱۶۲	۳۱۶۷	۳۱۷۲	۳۱۷۷	۳۱۸۲
آذربایجان غربی	۳۳۱	۳۳۱	۳۳۱	۳۳۱	۳۳۱	۳۳۱	۳۳۱	۳۳۱	۳۳۱	۳۳۱	۳۳۱	۳۳۱
اردبیل	۳۳۱	۳۳۱	۳۳۱	۳۳۱	۳۳۱	۳۳۱	۳۳۱	۳۳۱	۳۳۱	۳۳۱	۳۳۱	۳۳۱
اصفهان	۳۳۱	۳۳۱	۳۳۱	۳۳۱	۳۳۱	۳۳۱	۳۳۱	۳۳۱	۳۳۱	۳۳۱	۳۳۱	۳۳۱
بوشهر	۳۳۱	۳۳۱	۳۳۱	۳۳۱	۳۳۱	۳۳۱	۳۳۱	۳۳۱	۳۳۱	۳۳۱	۳۳۱	۳۳۱
تهران	۳۳۱	۳۳۱	۳۳۱	۳۳۱	۳۳۱	۳۳۱	۳۳۱	۳۳۱	۳۳۱	۳۳۱	۳۳۱	۳۳۱
چهارمحال و بختیاری	۳۳۱	۳۳۱	۳۳۱	۳۳۱	۳۳۱	۳۳۱	۳۳۱	۳۳۱	۳۳۱	۳۳۱	۳۳۱	۳۳۱
خراسان	۳۳۱	۳۳۱	۳۳۱	۳۳۱	۳۳۱	۳۳۱	۳۳۱	۳۳۱	۳۳۱	۳۳۱	۳۳۱	۳۳۱
خراسان شمالی	۳۳۱	۳۳۱	۳۳۱	۳۳۱	۳۳۱	۳۳۱	۳۳۱	۳۳۱	۳۳۱	۳۳۱	۳۳۱	۳۳۱
خراسان جنوبی	۳۳۱	۳۳۱	۳۳۱	۳۳۱	۳۳۱	۳۳۱	۳۳۱	۳۳۱	۳۳۱	۳۳۱	۳۳۱	۳۳۱
زنجان	۳۳۱	۳۳۱	۳۳۱	۳۳۱	۳۳۱	۳۳۱	۳۳۱	۳۳۱	۳۳۱	۳۳۱	۳۳۱	۳۳۱
سمنان	۳۳۱	۳۳۱	۳۳۱	۳۳۱	۳۳۱	۳۳۱	۳۳۱	۳۳۱	۳۳۱	۳۳۱	۳۳۱	۳۳۱
گلستان	۳۳۱	۳۳۱	۳۳۱	۳۳۱	۳۳۱	۳۳۱	۳۳۱	۳۳۱	۳۳۱	۳۳۱	۳۳۱	۳۳۱
کوچستان	۳۳۱	۳۳۱	۳۳۱	۳۳۱	۳۳۱	۳۳۱	۳۳۱	۳۳۱	۳۳۱	۳۳۱	۳۳۱	۳۳۱
گلستان	۳۳۱	۳۳۱	۳۳۱	۳۳۱	۳۳۱	۳۳۱	۳۳۱	۳۳۱	۳۳۱	۳۳۱	۳۳۱	۳۳۱
اصفهان	۳۳۱	۳۳۱	۳۳۱	۳۳۱	۳۳۱	۳۳۱	۳۳۱	۳۳۱	۳۳۱	۳۳۱	۳۳۱	۳۳۱
اصفهان	۳۳۱	۳۳۱	۳۳۱	۳۳۱	۳۳۱	۳۳۱	۳۳۱	۳۳۱	۳۳۱	۳۳۱	۳۳۱	۳۳۱
اصفهان	۳۳۱	۳۳۱	۳۳۱	۳۳۱	۳۳۱	۳۳۱	۳۳۱	۳۳۱	۳۳۱	۳۳۱	۳۳۱	۳۳۱
اصفهان	۳۳۱	۳۳۱	۳۳۱	۳۳۱	۳۳۱	۳۳۱	۳۳۱	۳۳۱	۳۳۱	۳۳۱	۳۳۱	۳۳۱

جدول ۵: نسبت تعداد ازدواج ها به تعداد طلاق ها در کل کشور در سالهای مختلف بر حسب استان

سال	۱۳۷۹	۱۳۷۸	۱۳۷۷	۱۳۷۶	۱۳۷۵	۱۳۷۴	۱۳۷۳	۱۳۷۲	۱۳۷۱
استان									
کل کشور	۱۳۰	۱۳۲	۱۳۵	۱۳۲	۱۳۷	۱۳۳	۱۳۹	۱۵۸	۱۳۴
آذربایجان شرقی	۲۰۷	۱۸۵	۱۶۷	۱۸۰	۱۷۷	۱۹۳	۱۹۳	۲۲۲	۱۴۵
آذربایجان غربی	۱۵۷	۱۴۹	۱۳۷	۱۴۳	۱۳۰	۱۴۶	۱۱۹	۱۲۷	۱۱۴
اردبیل	۱۸۳	۲۰۱	۲۵۲	۲۴۳	۲۲۲	۱۷۵	۲۶۰	۲۳۹	۱۷۷
اصفهان	۱۳۵	۱۲۷	۱۴۱	۱۵۶	۱۵۰	۱۵۸	۱۶۴	۲۵۶	۳۰۶
ایلام	۳۰۰	۲۴۰	۲۹۱	۲۳۳	۳۲۰	۲۵۴	۳۹۸	۲۳۷	۲۱۶
بوشهر	۱۳۶	۱۴۹	۱۵۱	۱۴۰	۱۵۹	۱۳۷	۱۳۳	۱۳۸	۱۱۵
تهران	۶۱	۶۶	۷۱	۷۰	۷۱	۷۳	۷۸	۹۴	۸۲
چهارمحال و بختیاری	۲۴۴	۴۲۷	۳۷۴	۳۵۸	۴۲۱	۴۴۳	۳۵۰	۴۴۲	۳۰۹
خراسان	۱۳۰	۱۳۱	۱۳۷	۱۳۴	۱۳۶	۱۳۹	۱۴۳	۱۶۲	۱۱۹
خوزستان	۱۶۰	۱۵۷	۱۳۷	۱۳۰	۱۳۹	۱۸۷	۱۷۰	۱۶۷	۱۳۳
زنجان	۱۸۹	۱۵۰	۲۰۰	۱۷۴	۱۵۳	۱۹۸	۲۰۰	۱۷۵	۱۴۰
سمنان	۱۸۶	۱۹۴	۱۹۵	۱۷۰	۱۹۷	۱۹۵	۲۰۰	۲۸۵	۲۴۰
سیستان و بلوچستان	۲۸۴	۱۵۸	۲۳۲	۳۰۹	۲۹۸	۲۶۷	۲۱۸	۲۰۶	۱۹۷
فارس	۱۳۹	۱۳۱	۱۳۷	۱۵۵	۱۴۷	۱۷۸	۱۷۰	۲۱۳	۱۶۷
قزوین	۱۸۷	۲۳۱	۱۵۴	۱۷۱	۱۷۰	۱۷۸	۲۴۹	۲۷۴	۱۵۷
قم	۱۰۳	۱۰۴	۱۱۵	۱۱۵	۱۴۹	۱۱۱	۱۱۱	۱۳۵	۱۳۴
کردستان	۹۷	۱۰۴	۹۷	۱۰۴	۱۰۶	۱۱۱	۱۲۳	۱۴۸	۸۱
کرمان	۱۸۸	۱۸۴	۱۵۹	۱۳۵	۱۶۱	۱۶۴	۱۴۶	۱۷۰	۱۵۷
کرمانشاه	۸۴	۷۷	۸۱	۷۷	۹۱	۹۵	۱۰۴	۱۰۹	۹۷
کینکویه و بویراحمد	۲۳۳	۱۹۶	۲۳۸	۲۴۷	۲۳۳	۱۸۱	۲۲۰	۲۲۸	۱۷۷
گلستان	۲۱۴	۲۷۸	۲۵۲	۲۳۳	۲۲۰	۳۰۱	۲۷۴	۴۱۴	۲۳۶
گیلان	۱۷۲	۱۶۹	۱۹۶	۱۷۵	۱۳۵	۱۷۹	۲۰۷	۲۱۱	۱۹۱
لرستان	۱۴۹	۱۳۵	۱۳۴	۱۳۴	۱۳۴	۱۳۳	۱۴۳	۱۷۰	۱۱۷
مازندران	۱۳۹	۱۴۹	۱۵۴	۱۴۹	۱۵۴	۱۶۵	۱۶۷	۱۵۵	۱۳۰
مرکزی	۱۳۱	۱۳۹	۱۴۳	۱۱۰	۲۴۸	۱۵۳	۳۰۶	۳۰۹	۱۷۴
هرمزگان	۱۳۴	۱۳۹	۱۳۳	۱۳۱	۱۶۹	۱۳۳	۱۳۳	۱۳۷	۸۱
همدان	۱۳۸	۱۳۱	۱۳۷	۱۳۱	۱۴۴	۱۵۴	۱۴۲	۲۲۰	۱۳۶
یزد	۲۸۶	۴۰۷	۳۷۷	۲۸۳	۳۱۰	۳۱۱	۳۱۹	۴۰۷	۲۶۰

برای کل کشور بوده است. در سال ۱۳۷۹ دامنه تغییرات نرخ ازدواج به استثناء دو استان سیستان و بلوچستان و ۱۱،۹ ایلام در محدوده ۸،۶ تا ۱۲،۶ در هزار در نوسان بوده است و استانهای یزد، مازندران و خراسان به ترتیب با ۱۲،۶ و ۱۲،۱ و ۱۱،۹ در هزار بالاترین نرخ های ازدواج را به ثبت رسانده اند. طی همین سال نرخ خام ازدواج کل کشور بر مبنای آمارهای ارسالی در حدود ۱۰/۳ در هزار بوده است.

با توجه به نکات فوق در مراجعه به جدول شماره ۵ که نسبت تعداد ازدواج ها به طلاق ها را بر حسب سال و استان ارائه نموده است. ملاحظه میشود که این نسبت در حدود ۱۲ برابر، قرار داشته است، با یک استثناء که مربوط به سال ۱۳۷۲ است و نسبت ازدواج به طلاق به رقم ۱۵/۸ برابر بالغ شده است. بعبارت دیگر در قبال هر ۱۰ طلاق به ثبت رسیده در سال ۱۳۷۲ حدود ۱۵۸ ازدواج ثبت شده است. نسبت مذکور در سال ۱۳۷۹ به ۱۲۰ ازدواج در قبال ۱۰ طلاق محدود شده است. علی ایحال نسبت ازدواج به طلاق بر اساس مندرجات جدول شماره ۵ بر حسب سال و استان از نوسان قابل توجهی برخوردار است و از ۶/۱ تا ۶۶/۳ نوسان داشته است. بعبارت دیگر در حالیکه در استان تهران در سال ۱۳۷۹ بازاء هر ۱۰ طلاق ۶۱ ازدواج به ثبت رسیده است در استان چهار محال بختیاری در سال ۱۳۷۴ بازاء هر ۱۰ طلاق حدود ۴۶۳ ازدواج ثبت شده است.

شاخص لاس پیرز (Lasspyres index)

اگر خواسته باشیم نوسان کمیت یک متغیر را در مدت زمانی معینی اندازه گیری نموده و شاخص مربوط به تغییرات آنرا بدست آوریم می توان از شاخص مقداری لاس پیرز استفاده کنیم شاخص های مشابه توسط پاشه (Paasche) و فیشر (Fisher) و والاش (Walash) دیگران نیز ارائه شده است که در اینجا به همین شاخص لاس پیرز اکتفاء میشود.

فرمول محاسبه شاخص لاس پیرز در بیان ریاضی بصورت زیر است :

$$Q_L = \frac{\sum P_0 q_n}{\sum P_0 q_0} \times k$$

از مشخصات این شاخص می توان به مواردی چون موزون بودن، نشان دادن تغییرات زمانی یا مکانی و گستردگی کاربرد اشاره کرد. در هر حال در محاسبه شاخص مقدار، تعداد ازدواج ها و طلاق ها نتایج محاسباتی سنواتی به ترتیب زیر بوده است:

(همچنین رجوع شود به جداول شماره ۲ و ۴ و نیز نمودار شماره (۱))

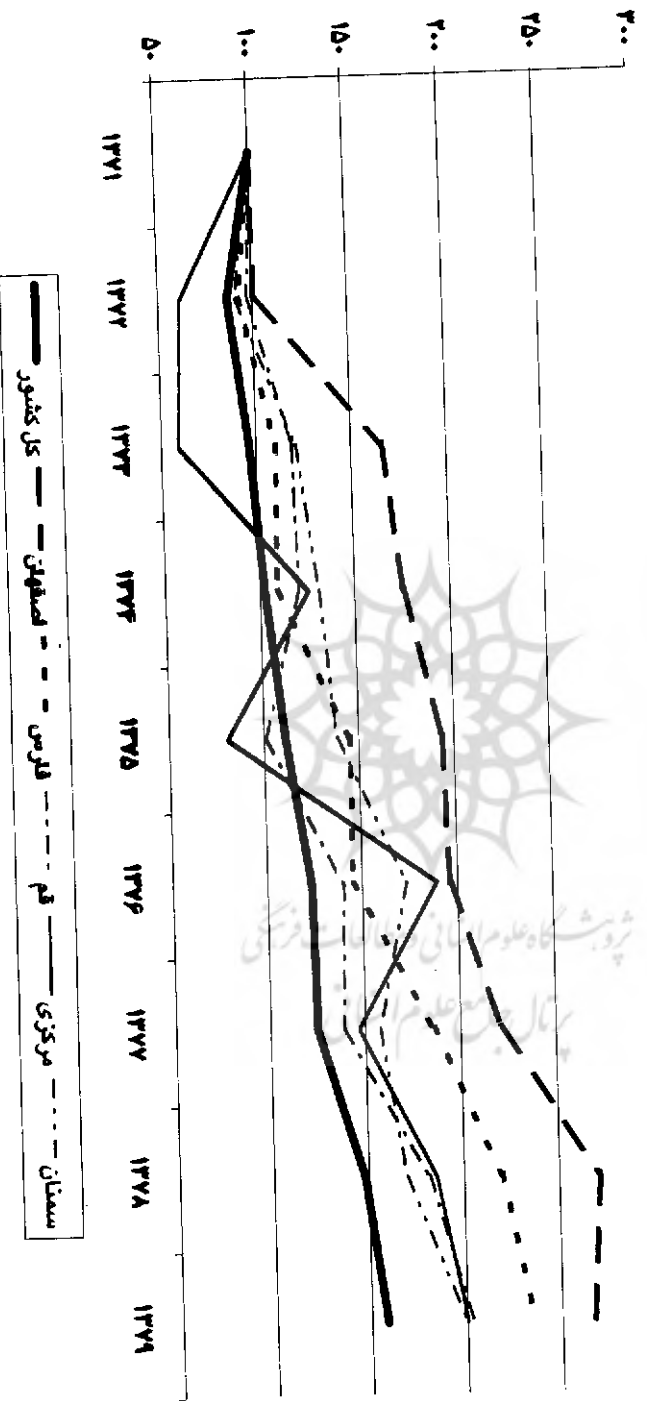
سال	۱۳۷۱	۱۳۷۲	۱۳۷۳	۱۳۷۴	۱۳۷۵	۱۳۷۶	۱۳۷۷	۱۳۷۸	۱۳۷۹
ازدواج	۱۰۰/۰	۱۰۹/۷	۱۰۷/۴	۱۰۹/۶	۱۱۳/۴	۱۲۱/۱	۱۲۵/۸	۱۴۴/۸	۱۵۳/۰
طلاق	۱۰۰/۰	۸۶/۳	۹۶/۲	۱۰۲/۲	۱۱۱/۳	۱۲۳/۰	۱۲۴/۷	۱۴۷/۷	۱۵۸/۳

ملاحظه می شود که شاخص تغییرات تعداد طلاق در فاصله سالهای ۱۳۷۱ تا ۱۳۷۹ یعنی ۹ سال، بیش از ۵۸ درصد افزایش داشته است و باکمال تعجب این افزایش در سالهای ۱۳۷۸ و ۱۳۷۹ با جهش روبرو بوده است، در حالیکه در سال ۱۳۷۲ شاخص تغییرات طلاق نسبت به سال پایه (۱۳۷۱) حدود ۱۶ درصد کاهش نشان می دهد و حتی در سال ۱۳۷۳ نیز وضعیت طلاق به حد سال ۱۳۷۱ باز نگشته است. تغییرات طلاق در سالهای ۱۳۷۸ و ۱۳۷۹ بویژه نیازمند تامل و بررسی است و در صورت دسترسی به علل و عوامل موثر می توان با اتخاذ روش های مناسب از تداوم روند فعلی جلوگیری نمود.

ارقام فوق نشان میدهند که شاخص ازدواج با روندی نزدیک به طلاق در تغییر بوده است و از حدود ۱۰۰ در سال پایه (۱۳۷۱) به رقم ۱۵۳ در سال ۱۳۷۹ رسیده است که حاکی از ۵۳ درصد افزایش طی مدت مورد بررسی است. بررسی نمودار تغییرات توأم دورویداد نشان میدهد که در سال ۱۳۷۲ شاخص تغییرات طلاق از شاخص تغییرات ازدواج فاصله قابل ملاحظه ای پیدا کرده است. (۸۶/۳ درصد در قبال ۱۰۹/۷ درصد). ولی شواهدی از انجام بررسی همزمان بدست نیامد تا در مورد علت تقلیل طلاق در سال مذکور و شناخت عوامل مؤثر قرینه ای بدست آید.

نمودار ۲:

شاخص تغییرات طلاق در پنج استان رده اول در سال ۱۳۷۹ و کل کشور بر حسب سال



پس از سال مذکور روند تغییرات شاخص های ازدواج و طلاق به گونه ای بوده است که این دورا به یکدیگر نزدیک ساخته است. ولی در سالهای اخیر روند تغییرات طلاق از ازدواج پیشی گرفته است. تحول اخیر در روند تغییرات طلاق نشان میدهد که سرعت انحلال خانواده ها و ازهم فروپاشی آنها بعنوان هسته های اصلی اجتماع، فرایند تشکیل خانواده را در برخی از مناطق بطور نگران کننده ای تحت تاثیر قرارداد است و حتی جای طرح این سؤال وجود دارد که آیا در آینده نزدیک افزایش طلاق ها به گونه ای خواهد بود که از نظر کمی هم به یک چالش جدی اجتماعی در مقابل تشکیل خانواده تبدیل شود یا نه؟ در هر حال بررسی علل و عوامل مؤثر بر طلاق در استانهای تهران، اصفهان، شیراز، قم، کرمانشاه اکیدا توصیه می شود، تا در اسرع وقت نسبت به شناخت علل و عوامل و توقف روند تغییرات فعلی طلاق در آنها اقدام گردد پیش از اینکه شیوع طلاق به یک بیماری وارداتی عمومی در کشور تبدیل گردد.

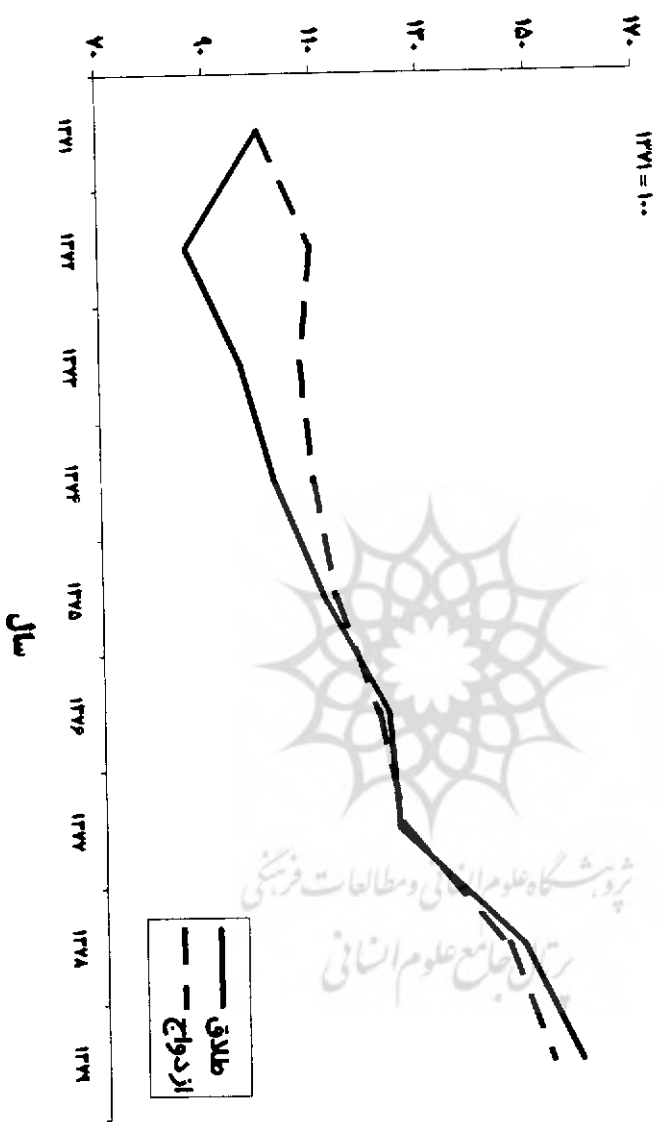
درنمودار شماره ۳ که بر مبنای جداول شماره ۲ و ۴ رسم شده است وضع تغییرات ازدواج و طلاق بصورت هندسی بیان شده است.

نوسان استانی در شاخص طلاق

روند تحولات طلاق در دوره مورد مطالعه در بین استانهای کشور با تفاوت قابل ملاحظه روبرو بوده است، بنحویکه در سال ۱۳۷۹ شاخص تغییرات طلاق نسبت به سال پایه (۱۳۷۱) از ۹۲/۴ درصد در استان آذربایجان شرقی، تا ۲۶۷/۱ درصد، در استان اصفهان، در نوسان بوده است. تغییرات شاخص طلاق در ۱۶ استان کشور از میانگین کل پائین تر بوده است. ثبات نسبی تعداد طلاق در استان آذربایجان شرقی در فاصله سالهای ۱۳۷۱ و ۱۳۷۸ و کاهش آن در تعدادی از سنوات دوره مورد بررسی یک زمینه جالب توجه است. همچنین کاهش تعداد و شاخص طلاق در استان چهار محال بختیاری و نیز ثبات آن در کردستان جلب توجه می نماید.

نمودار ۳:

شاخص تعداد ازدواج ها و طلاقهای ثبت شده در کل کشور در سالهای مختلف



در تعدادی از استانها مانند اصفهان، فارس، سمنان و مرکزی شاخص تغییرات طلاق در حدود ۱۰۰ درصد یا بیشتر در دوره مورد بررسی افزایش داشته است. استان اصفهان با افزایش ۲۶۷ درصدی در شاخص طلاقهای ثبت شده شاهد بالاترین افزایش در کمیت آن بوده است. این افزایش سریع شاخص در استانهای چهارگانه مذکور و بویژه استانهای اصفهان و فارس که بمراتب فراتر از تغییرات سالانه جمعیت است و نرخ رشد متوسطی در حدود ۱۰ درصد در سال یا بیشتر را نشان میدهد از هر حیث قابل بررسی است. وضعیت استان اصفهان با توجه به زمینه بالاتر مذهبی استان، بویژه جلب توجه می کند و چنین بنظر می رسد که افزایش نرخ طلاق در استان های فارس و اصفهان احتمالاً در آینده نیز تداوم خواهد داشت. در جوار دو استان یاد شده افزایش شاخص در استانهای مرکزی و سمنان و رسیدن آن به حدود ۲۰۰ درصد طی ۹ سال مورد بررسی نیز با توجه به ابرشهر نبودن شهرهای مرکزی این دو استان و بویژه استان سمنان موجب شگفتی است. اضافه شود که نرخ طلاق در استان سمنان هنوز هم از میانگین کل کشور پائین تر است (۵/۶۲ در مقابل ۸/۵۴ در ده هزار) ولی قرینه تداوم افزایش سریع نرخ طلاق این دو استان، در آینده نزدیک وجود دارد.

قابل ذکر است که در قبال تحولات شاخص طلاق در چهار استان یادشده، رقم شاخص ازدواج دو استان جنوبی کشور یعنی استانهای هرمزگان و کهگیلویه و بویر احمد به ترتیب با ۲۷۳/۲ و ۲۱۷/۶ درصد از مرز ۲۰۰ درصد تجاوز کرده و طی مدت بررسی بیش از صد درصد افزایش نشان داده اند. ولی دامنه نوسان شاخص ازدواج در بین استانهای کشور کمتر از طلاق است، دامنه این شاخص از ۱۱۹،۴ و در استان کردستان تا ۲۷۳،۲ در استان هرمزگان نوسان یافته است. یک وجه تمایز بین شاخص ازدواج و شاخص طلاق در سطح استانی مربوط است به روند صعودی شاخص ازدواج در اکثر استانهای کشور، در حالیکه در مورد طلاق وضع بگونه ایست که نمی توان از سیر صعودی در اکثر استانها ذکری به میان آورد.

به عبارت دیگر مرور ارقام جداول شماره ۳ و ۴ نشان میدهد که در اکثر استانها شاخص ازدواج در اکثر سنوات دوره مورد مطالعه سیر صعودی خود را طی کرده است ولی شاخص طلاق با صعود و نزول همراه بوده است و در تعدادی از سالهای دوره مورد بررسی با ارقام کمتر از ۱۰۰ درصد یعنی سال پایه روبرو هستیم (رجوع شود به ارقام استانهای آذربایجان شرقی، غربی، اردبیل، ایلام، بوشهر، چهارمحال ...).

نوسان ماهانه طلاق

ممکن است روش های استاندارد برای استنباط و درک نوسانات فصلی و ادواری طلاق بکار برد و همچنین امکان دستیابی به نوسانات تصادفی نیز با این روش ها وجود دارد. علاوه براین برخی از صاحب نظران جمعیت شناس معتقدند ازدواج با ادوار فعالیت ها و شرایط اقتصادی - اجتماعی همبستگی مستقیم دارد.

نرخ های ازدواج و طلاق غالباً بر مبنای آمار ماهانه محاسبه می شوند، در نتیجه میتوان نوسانات ماهانه و فصلی این دو رویداد را مشخص نمود. عواملی چون مذهب و عادات و رسوم، شرایط اقلیمی، زمان برداشت محصولات کشاورزی و سایر خصوصیات ملی و منطقه ای در انتخاب ماه های ازدواج مؤثرند و معمولاً ثبت ازدواج در این ماه ها مورد استقبال عموم قرار ندارد. همچنین می دانیم که مثلاً ماه شعبان و رجب در انتخاب ماه ازدواج از مقبولیت بیشتری برخوردارند. علاوه بر این کشاورزان کشور غالباً بطور سنتی پس از برداشت محصول کشاورزی خود که بمعنی پایان کار سالانه و دستیابی به ثمره تلاش کشاورز هم می باشد نسبت به انتخاب همسر اقدام می کنند و فصول تراکم کار از نظر جامعه روستائی برای انتخاب زمان عقد ازدواج مورد استقبال نیست. در مورد طلاق نیز غالباً مقاطع زمانی خاصی که توأم با مراسم جشن هاست و برای خانواده ها با صرف هزینه قابل ملاحظه همراه است (مانند شب عید) می تواند در بروز اختلافات خانوادگی یا تشدید آن تا مرحله انحلال نکاح مؤثر باشد.

در جداول شماره ۱-۶ تا ۴-۶ و نمودارهای شماره ۴ و ۵ توزیع استانی ازدواج ها برحسب ماه ارائه شده است. مرور این جداول حاکی از نوسان قابل ملاحظه تعداد ازدواج های ماهانه است. بعنوان مثال در سال ۱۳۷۹ تعداد کل ازدواج های کل کشور از ۲۳۷۲۲ رویداد در ماه خرداد تا ۷۱۰۷۹ رویداد در ماه اردیبهشت در نوسان بوده است. و ماههای خرداد و تیر و دی شاهد ثبت کمترین تعداد رویداد های ازدواج بوده است. با مراجعه به تقویم سال ۱۳۷۹ ملاحظه میشود که ماه اردیبهشت از ۱۵ محرم آغاز شده و در ۱۵ صفر خاتمه یافته است و ماه خرداد از ۱۶ صفر آغاز شده و در ۱۷ ربیع الاول خاتمه یافته است. بنابراین بالابودن تعداد ازدواجها در ماه اردیبهشت و پائین بودن آن در ماه خرداد می تواند با تراکم کار کشاورزی در ماه خرداد و عدم آغاز برداشت محصول در ماه اردیبهشت یا فراغت کشاورزان و کارکنان مشاغل ذریبط در اکثر مناطق کشور همزمان بوده و همبستگی داشته باشد.

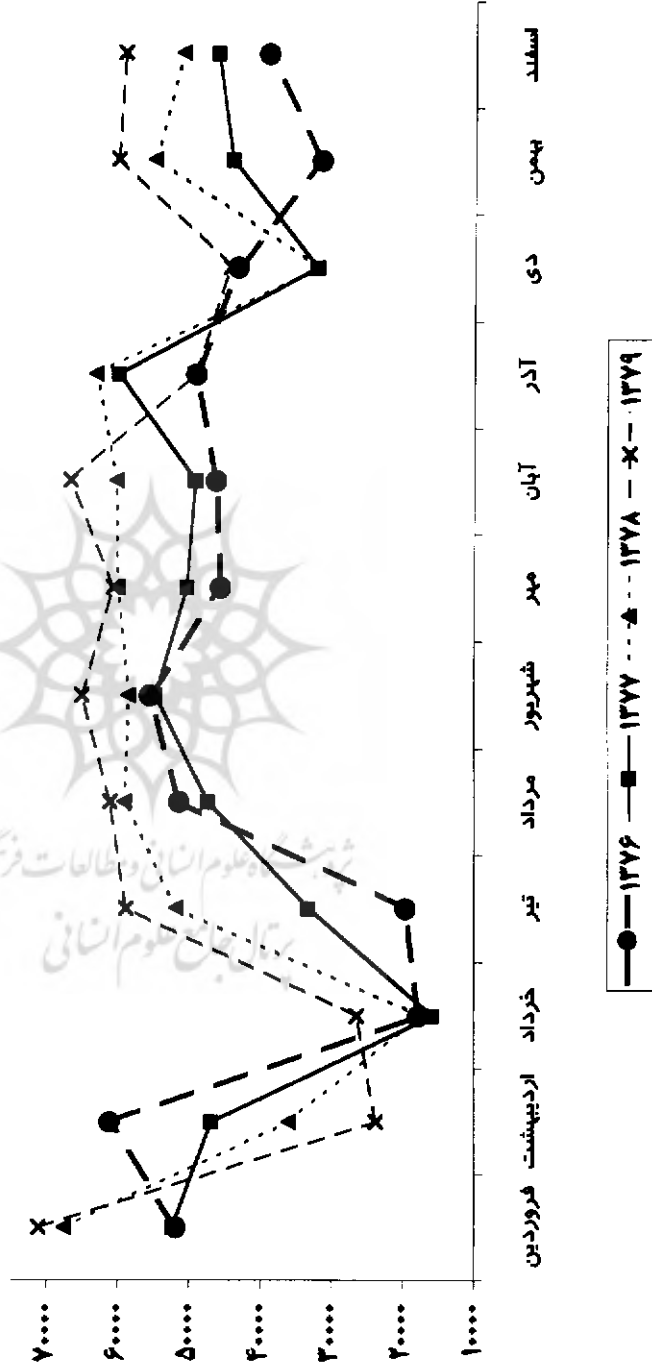
بعبارت دیگر ماه خرداد از ماههایی نیست که انتخاب آن بعنوان ماه ازدواج با استقبال روبرو شده باشد. این وضعیت در مورد هر ۴ سال مورد بررسی مصداق دارد و نشان میدهد که مردم از انتخاب ماه خرداد بعنوان ماه انتخاب همسر حتی المقدور اجتناب می کنند. ولی افزایش تعداد ازدواج ها و قرارگرفتن آن در ماه اردیبهشت سال ۱۳۷۹ که تقریباً از نیمه دوم محرم تا نیمه اول صفر طول کشیده است یک نتیجه غیر منتظره است و نشان میدهد که ماه های هجری قمری تاثیر قابل ملاحظه ای در انتخاب ماه همسر گزینی ندارند یا لاقلاً تاثیر منفی آنها بسیار کمتر از حد انتظار است. هر چند که از نظر مذهبی محدودیتی برای انتخاب زمان ازدواج لحاظ نشده است ولی این وضعیت با طبیعت برگزاری مراسم سوگواری سازگاری ندارد.

ماه دیگری که با کاهش ازدواج ها روبرو است ماه دی است. این ماه در سال ۱۳۷۹ از ۲۴ ماه رمضان آغاز و در ۲۴ شوال خاتمه یافته است. بنابراین قاعدتاً ماه رمضان در

کاهش تعداد ازدواج های آن کم تاثیر است. پس باید دلیل دیگری که احتمالاً با فعالیت های اقتصادی جامعه مرتبط است در کاهش تعداد ازدواج های این ماه مؤثر بوده باشد. یک گزینه محتمل فعالیت چشمگیر بخش های تولیدی شهری در ماه مذکور بمنظور پاسخگویی به تأمین احتیاجات و کالاهای مورد نیاز مردم در ماه های آخر سال و خرید شب عید می تواند باشد. گزینه دیگر ممکن است که با شرائط اقلیمی یعنی آغاز چله بزرگ زمستان مرتبط باشد. بدیهی است که شرائط اقلیمی نامناسب برای اکثر روستائیان مناطق معتدله و سردسیر از نظر عبور و مرور دشواریهایی ایجاد می نماید و چون اکثر دفاتر اسناد رسمی در شهرها مستقر هستند پس روستائیان برای ثبت رویداد ازدواج باید به شهرها مراجعه نمایند و اگر شرائط اقلیمی، دشواریهای جدی در این زمینه ایجاد نماید ممکن است که عقد ازدواج به تأخیر افتد. ولی قطعاً بررسی علمی لازم است تا در مورد کاهش تعداد ازدواج ها در این ماه به یک نتیجه قطعی دست یافت. جالب توجه است که نتایج فوق تقریباً در همه ماههای چهار سال مورد بررسی کم و بیش تکرار شده است و همچنانکه نمودارهای شماره ۴ و ۵ نشان میدهد افت ازدواج در ماههای خرداد و دی یک پدیده تثبیت شده در ثبت رویداد است.

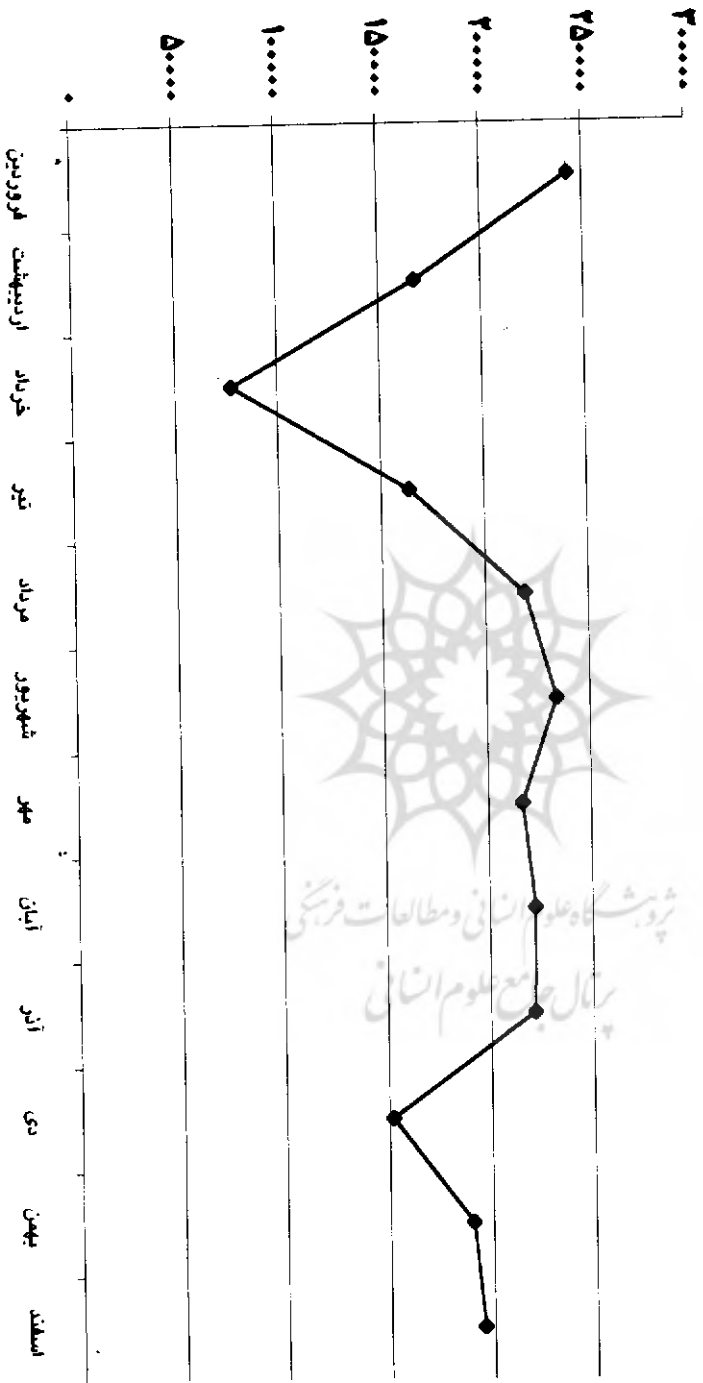
در مورد طلاق وضع به گونه ای متفاوت مطرح شده است. با مراجعه به جداول ۶-۷ تا ۴-۷ و نمودار شماره ۶ و ۷ ملاحظه میشود که کمترین تعداد طلاق ها مربوط به ماه فروردین و بیشترین تعداد طلاق ها مربوط به اسفند است. آیا کاهش تعداد طلاق ها در ماه فروردین با تعطیلات نوروزی مرتبط است یا قرینه دیگری باید در این زمینه جستجو گردد؟ همچنین آیا می توان استنباط نمود که افزایش تعداد طلاق در ماه های بهمن و اسفند و مهر با هزینه های قابل پیش بینی خانواده در این ماه ها و مسائل اقتصادی در ارتباط است؟ با وجود افت دامنه نوسان ماهانه در مورد طلاق باز هم می توان به کاهش تعداد طلاق در ماه های دی اشاره نمود.

نمودار ۴ :
نوسان تعداد ازبواج ثبت شده در طی سالهای ۷۶ تا ۷۹ بر حسب ماه



نمودار ۵ :

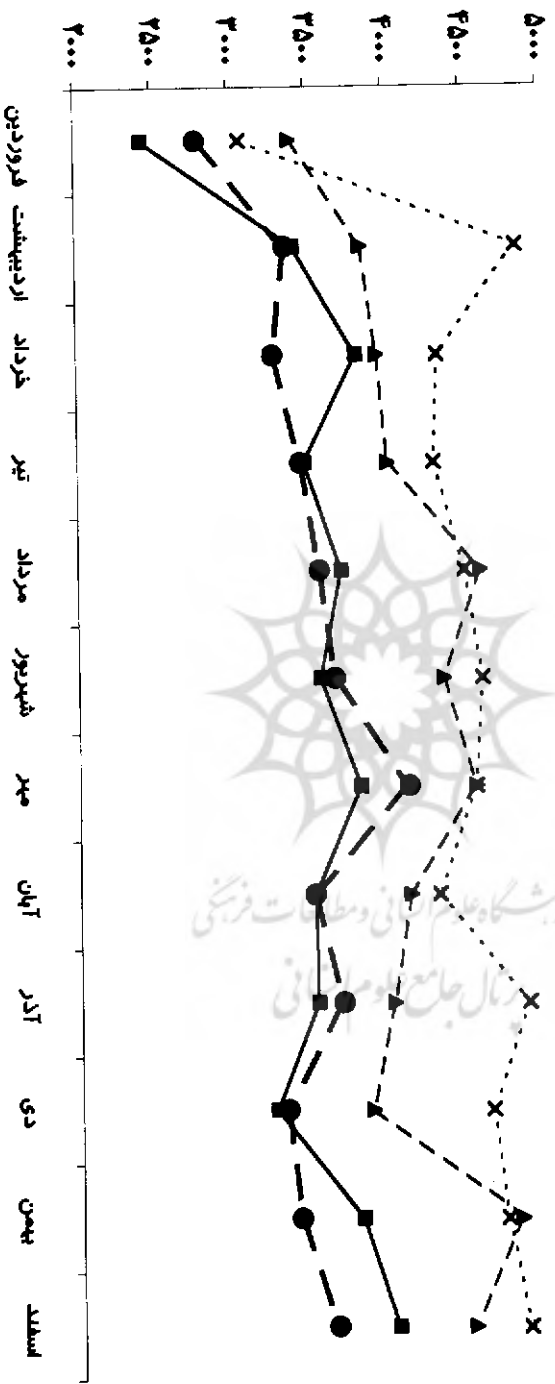
متوسط چهار ساله تعداد کل از فواح های ثبت شده از سال ۷۶ تا ۷۹ به تفکیک ماه



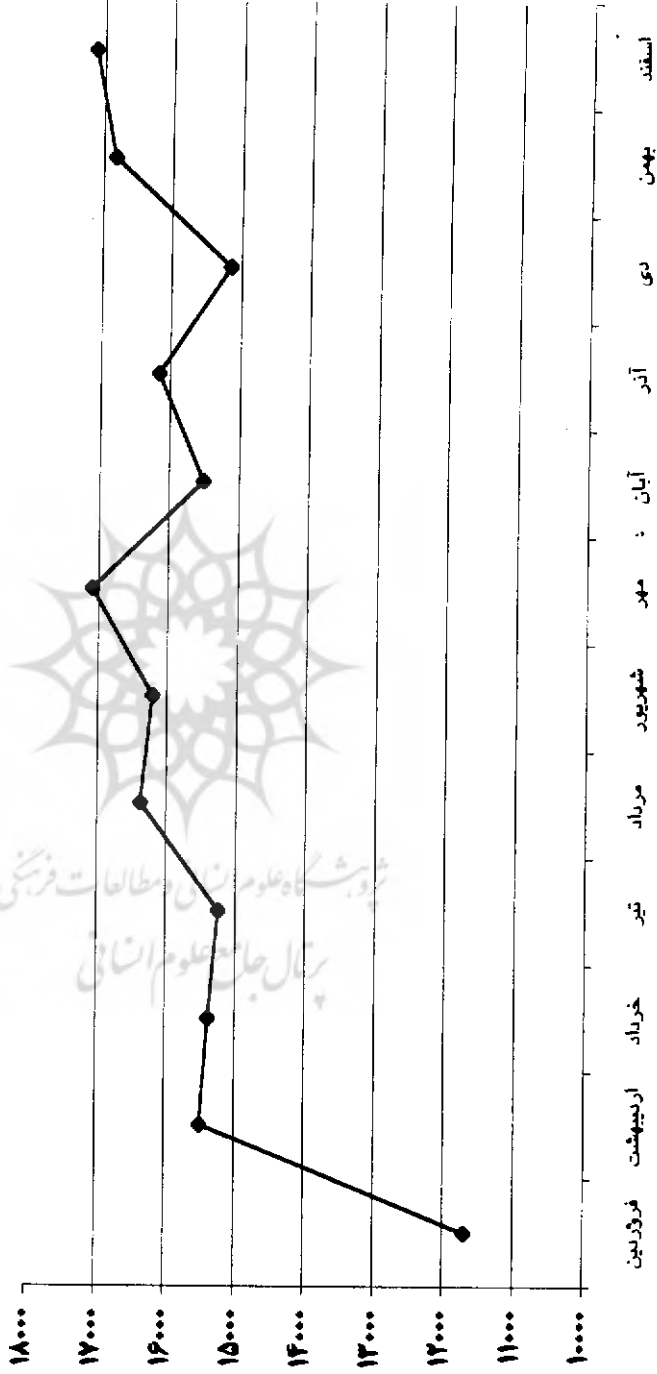
این نکته با توجه به کاهش تعداد ازدواج ها در ماه مذکور زمینه مناسبی برای مطالعه تاثیر عامل زمان ایجاد می نماید. علاوه بر این نمودار های شماره ۶ و ۷ نشان میدهند که ماه تیر نیز از نظر طلاق ماه مناسبی نمی باشد و زوجین برای جدائی در این ماه رغبت نشان نمی دهند. چرا ماه تیر برای طلاق یک ماه مناسب نیست و چرا در این ماه طلاق کمتر به ثبت می رسد؟

اگر توجه داشته باشیم قبلا در مورد کاهش ازدواج در ماه خرداد بحث شد آیا تقارنی بین علت افت طلاق در این ماه و افت ازدواج در خرداد وجود دارد؟ خوشبختانه نمودارهای مذکور می توانند در این زمینه هم قرینه ای فراهم سازند و مرور این نمودارها نشان میدهند که افت طلاق در ماه خرداد نیز در همان ابعاد ماه تیر مطرح می باشد. بعبارت دیگر می توان احتمال وجود هماهنگی بین عوامل مؤثر بر کاهش ازدواج در ماه های اول تابستان و کاهش طلاق در همین دوره را بطور ضمنی تأیید نمود. در مورد نوسان ماهانه ازدواج ها رجوع شود به نمودار های شماره ۴ و ۵.

نمودار ۲ :
نوسان تعداد طلاق های ثبت شده در طی سالهای ۷۶ تا ۷۹ بر حسب ماه



نمودار ۷ :
متوسط چهار ساله تعداد کل طلاق های ثبت شده از سال ۷۶ تا ۷۹ به تفکیک ماه



جدول ۱-۶- ازدواج ثبت شده بر حسب ماههای سال به تفکیک استان در سال ۱۳۷۶

استان	جمع	فروردین	اردیبهشت	خرداد	تیر	مرداد	شهریور	مهر	آبان	آذر	دی	بهمن	اسفند
آذربایجان شرقی	۲۲۱۷۲	۳۲۰۷	۳۲۳۷	۹۹۳	۱۰۳۸	۲۸۹۶	۳۳۹۳	۲۹۱۰	۳۱۶۲	۳۲۳۹	۲۹۹۲	۱۸۷۱	۲۳۰۲
آذربایجان غربی	۲۰۰۶۶	۱۹۸۳	۲۵۹۶	۷۱۲	۷۹۳	۱۶۱۱	۱۵۹۸	۱۵۷۷	۱۷۱۳	۲۱۰۱	۲۰۹۵	۱۲۸۳	۲۰۰۱
اردبیل	۱۰۵۶۶	۱۱۸۱	۱۳۰۵	۳۳۳	۳۹۸	۱۰۱۰	۱۳۶۰	۱۰۳۲	۹۵۲	۹۸۵	۷۳۱	۵۱۵	۶۵۲
اصفهان	۳۶۱۵۷	۲۲۱۷	۲۳۹۵	۱۳۵۲	۱۳۶۰	۳۵۹۵	۲۸۲۲	۳۳۳۳	۳۱۳۲	۳۳۲۰	۲۹۰۸	۲۶۳۲	۲۸۲۶
ایلام	۳۳۹۵	۱۹۰	۳۰۰	۵۵	۱۲۲	۲۸۲	۲۲۲	۲۵۸	۱۹۷	۲۰۶	۱۸۶	۱۶۵	۲۰۰
بوشهر	۵۸۵۳	۶۶۳	۸۲۲	۲۷۸	۲۳۱	۵۰۸	۵۰۵	۲۹۲	۵۳۲	۳۸۰	۳۱۲	۵۱۶	۵۱۶
تهران	۸۵۷۷۰	۶۶۹۸	۱۱۶۵۳	۳۰۰۸	۳۳۲۲	۹۱۸۰	۹۳۰۵	۶۹۲۵	۷۹۵۲	۹۲۵۱	۶۲۵۱	۵۲۸۸	۶۶۱۵
چهارمحال و بختیاری	۶۵۹۲	۶۰۵	۶۸۸	۶۲	۲۳۳	۹۰۳	۸۷۰	۷۰۹	۶۰۵	۶۳۳	۳۷۳	۳۸۷	۵۱۲
خراسان	۵۶۸۱۳	۶۳۸۲	۵۷۱۶	۲۱۳۶	۲۲۷۳	۶۱۳۶	۵۷۰۷	۵۱۶۲	۳۹۵۵	۵۰۲۶	۵۱۳۰	۳۸۰۷	۲۱۰۱
خوزستان	۲۶۵۰۰	۳۰۳۸	۳۳۱۲	۷۱۶	۱۲۱۹	۲۶۶۸	۳۸۰۰	۲۵۰۸	۲۳۳۷	۲۲۵۶	۱۷۶۳	۱۶۲۵	۲۱۸۸
زنجان	۷۳۹۷	۳۸۵	۹۱۹	۳۷۲	۱۹۰	۶۱۹	۸۵۱	۸۲۰	۸۶۵	۸۸۱	۷۳۸	۲۸۱	۳۵۲
سمنان	۲۲۹۲	۵۳۳	۵۲۷	۵۸	۱۱۳	۲۸۹	۶۲۷	۳۳۸	۳۸۹	۳۳۷	۲۲۹	۲۲۷	۲۸۲
سیستان و بلوچستان	۸۲۲۷	۹۳۳	۶۱۳	۲۳۵	۲۶۲	۹۹۲	۱۶۱۸	۷۷۰	۶۲۵	۵۸۷	۳۸۹	۳۱۳	۶۶۸
فارس	۳۰۵۶۷	۳۱۷۵	۳۰۲۳	۱۰۵۶	۱۱۸۳	۲۸۲۳	۳۸۷۶	۲۶۲۷	۲۲۶۳	۲۳۲۵	۲۲۰۸	۱۹۰۲	۲۲۸۵
قزوین	۱۰۶۷۲	۶۵۲	۱۰۰۳	۲۷۶	۲۵۸	۷۸۲	۸۳۳	۷۷۷	۸۷۲	۹۲۰	۱۹۲۳	۱۲۸۸	۸۸۵
قم	۷۸۳۲	۷۰۷	۹۸۲	۳۵۹	۲۲۲	۸۰۰	۷۵۳	۶۲۵	۶۷۷	۸۱۸	۶۸۶	۵۲۳	۶۶۹
کرمانستان	۱۱۵۷۱	۱۰۷۳	۱۳۳۸	۶۷۳	۵۲۹	۷۷۷	۹۰۹	۱۰۱۷	۱۱۷۲	۱۲۳۵	۱۱۵۷	۶۸۶	۹۶۳
کرمان	۱۶۱۰۰	۱۸۰۲	۱۷۵۸	۷۳۳	۱۱۵۲	۱۸۳۰	۲۳۳۳	۱۳۲۹	۱۰۰۰	۱۱۷۶	۹۲۷	۸۳۲	۱۱۲۶
کرمانشاه	۱۵۲۵۸	۱۳۸۹	۱۵۶۰	۶۷۳	۵۹۷	۱۳۲۷	۱۵۶۰	۱۳۳۳	۱۳۱۴	۱۳۲۰	۱۳۳۱	۸۰۹	۱۵۰۷
گیلان و بوئین احمد	۳۵۱۳	۳۷۶	۳۹۷	۱۲۷	۱۸۹	۳۰۱	۲۰۲	۲۸۹	۲۷۶	۳۱۱	۲۷۸	۲۳۰	۲۱۶
گلستان	۱۰۶۸۸	۱۰۳۲	۱۱۳۸	۲۲۹	۳۱۹	۱۲۱۳	۱۶۹۱	۹۲۶	۱۰۱۳	۱۰۳۲	۱۰۰۸	۳۶۲	۷۵۸
گیلان	۲۲۷۰۲	۲۶۸۸	۲۳۸۰	۶۱۳	۶۰۹	۲۲۸۰	۲۲۶۰	۱۸۱۵	۲۲۲۲	۲۳۳۸	۱۸۸۸	۱۱۹۹	۱۳۸۰
لرستان	۱۳۳۱۲	۱۱۲۳	۱۳۳۱	۲۱۶	۲۳۷	۱۳۷۶	۱۷۱۹	۱۵۳۸	۹۹۱	۱۱۹۰	۱۹۶۷	۶۸۵	۸۲۸
مازندران	۲۵۵۵۷	۲۸۶۰	۳۳۲۷	۵۰۶	۸۳۵	۲۷۲۸	۲۲۲۹	۲۱۳۸	۲۳۳۸	۲۲۱۲	۲۲۵۹	۱۳۵۸	۲۱۵۷
مرکزی	۱۱۲۹۱	۱۱۷۸	۱۶۲۴	۲۸۸	۳۱۹	۱۱۳۳	۱۱۵۶	۹۸۱	۱۰۰۲	۱۱۲۰	۹۰۶	۶۵۲	۹۲۸
هرمزگان	۷۱۷۹	۹۰۰	۸۲۳	۲۸۱	۲۱۳	۷۳۳	۸۲۹	۷۲۶	۵۵۲	۳۷۷	۵۰۹	۳۷۳	۵۱۳
همدان	۱۵۰۷۸	۱۵۹۳	۱۳۳۸	۳۳۳	۵۵۷	۱۳۹۲	۱۶۲۶	۱۵۳۵	۱۷۷۳	۱۷۹۵	۹۳۰	۱۱۰۱	۹۸۲
یزد	۷۰۸۱	۱۰۹۶	۷۵۵	۲۲۲	۱۲۲	۸۷۱	۱۰۳۰	۵۵۹	۵۶۱	۵۸۰	۳۷۲	۳۱۷	۲۵۲
جمع	۵۱۱۳۰۱	۵۱۷۷۳	۶۱۱۰۱	۱۷۷۳۷	۱۹۵۸۳	۵۱۳۳۸	۵۵۲۶۰	۲۵۵۳۱	۲۶۲۰۱	۲۹۰۳۳	۳۳۲۲۵	۳۱۳۳۱	۳۸۹۸۷

جدول ۲-۶- ازدواج ثبت شده بر حسب ماههای سال به تفکیک استان در سال ۱۳۷۷

استان	جمع	فروردین	اردیبهشت	خرداد	تیر	مرداد	شهریور	مهر	آبان	آذر	دی	بهمن	اسفند
آذربایجان شرقی	۳۳۰۶۵	۳۱۳۶	۳۲۰۲	۸۰۵	۱۹۷۷	۲۶۶۷	۳۳۱۲	۳۱۳۰	۲۹۳۹	۲۳۰۸	۲۰۹۵	۲۷۵۲	۲۷۲۶
آذربایجان غربی	۲۱۳۳۱	۱۹۷۸	۲۱۰۰	۸۲۲	۱۰۸۶	۱۵۷۵	۱۷۹۰	۱۷۵۲	۱۸۸۲	۲۵۳۵	۱۶۳۶	۲۰۷۰	۲۱۶۵
ارمنیل	۱۳۳۱۰	۱۳۷۵	۹۶۶	۳۵۹	۵۶۰	۱۰۲۲	۱۳۶۶	۱۲۱۰	۱۰۷۷	۱۱۹۲	۵۱۹	۱۸۹۶	۷۱۲
اصفهان	۳۶۷۹۲	۳۳۱۵	۳۳۶۷	۱۱۰۹	۱۷۶۲	۳۳۵۰	۳۹۷۱	۳۵۱۳	۳۳۲۲	۲۰۹۰	۲۳۳۱	۲۹۸۲	۳۳۶۰
ایلام	۲۵۳۵	۲۲۲	۱۷۲	۶۶	۲۰۲	۲۹۰	۳۱۰	۲۰۱	۲۲۶	۲۳۲	۱۵۷	۲۱۳	۲۱۰
بوشهر	۶۳۲۷	۹۲۸	۶۸۹	۱۹۶	۲۲۶	۵۰۲	۵۳۱	۵۶۷	۵۲۲	۷۲۲	۳۷۷	۵۲۲	۵۲۲
تهران	۸۰۳۱۶	۶۰۸۲	۸۰۹۲	۲۴۰۷	۶۵۲۷	۵۸۰۹	۸۷۷۲	۷۹۶۶	۷۳۲۹	۹۰۲۲	۳۳۶۰	۶۶۸۲	۶۹۲۲
چهارمحال و بختیاری	۷۳۶۵	۶۶۹	۵۲۰	۸۷	۲۳۹	۸۷۵	۸۷۵	۶۸۲	۵۸۲	۸۹۷	۳۰۰	۷۷۲	۷۱۱
خراسان	۶۰۸۵۳	۵۸۱۲	۲۹۱۲	۱۷۲۰	۳۷۹۶	۵۵۲۲	۶۲۳۹	۵۵۵۵	۵۵۹۷	۶۷۰۲	۳۳۷۰	۵۵۳۶	۵۹۷۷
خوزستان	۲۷۹۲۱	۳۳۰۲	۲۵۸۹	۶۳۸	۱۹۱۰	۲۷۶۸	۳۳۹۰	۲۲۲۵	۲۶۱۵	۲۸۲۳	۱۷۲۳	۲۱۳۸	۲۵۷۹
زنجان	۸۱۳۳	۵۰۰	۸۸۶	۱۶۰	۳۰۹	۹۵۹	۸۵۷	۸۵۹	۱۰۰۸	۱۰۰۲	۳۰۸	۶۸۸	۶۰۷
سمنان	۳۳۸۲	۶۶۰	۲۶۹	۵۲	۳۶۵	۲۵۰	۵۱۵	۳۵۲	۲۲۳	۵۶۶	۱۱۲	۲۰۱	۳۳۱
سیستان و بلوچستان	۹۶۸۵	۶۲۹	۵۸۲	۷۰۵	۶۲۵	۱۱۶۷	۹۶۸	۹۸۰	۸۹۸	۸۱۷	۶۸۹	۶۷۱	۹۵۲
فارس	۳۲۱۷۸	۲۵۱۳	۲۱۳۸	۱۲۰۰	۱۸۵۸	۳۳۶۵	۳۵۲۷	۳۱۲۲	۲۵۷۷	۳۳۵۷	۲۰۸۵	۲۵۶۷	۲۸۰۷
قزوین	۹۰۸۵	۷۰۳	۷۵۳	۳۵۰	۵۲۵	۸۷۷	۹۲۶	۱۱۵۸	۶۸۸	۱۰۲۰	۵۲۶	۷۲۲	۸۳۷
قم	۷۷۸۷	۶۱۳	۶۲۸	۲۸۰	۳۶۶	۶۹۵	۶۵۲	۵۱۲	۸۱۹	۸۹۲	۵۲۸	۷۳۶	۶۷۳
کردستان	۱۲۳۵۱	۱۰۵۵	۱۲۹۳	۶۵۱	۶۶۳	۷۲۱	۹۲۷	۱۰۹۶	۱۱۵۹	۱۳۲۰	۱۱۸۷	۹۷۷	۱۱۸۰
کرمان	۱۷۵۵۷	۲۳۳۶	۱۵۱۸	۵۲۹	۱۳۶۸	۲۱۳۶	۲۱۰۱	۱۳۸۶	۱۳۵۲	۱۵۸۷	۹۶۰	۱۰۳۰	۱۳۳۶
کرمانشاه	۱۵۹۶۷	۱۲۷۶	۱۱۰۵	۵۳۶	۱۱۹۰	۱۳۶۵	۱۸۵۲	۱۶۵۵	۱۵۶۰	۱۷۱۰	۹۰۲	۱۳۹۷	۱۲۱۷
مجموعه و بویرامند	۳۸۸۲	۵۳۶	۳۱۲	۱۷۰	۲۱۳	۳۷۲	۵۰۵	۳۵۵	۳۲۸	۳۰۶	۳۰۳	۱۹۹	۱۷۹
گلستان	۱۲۰۷۷	۱۱۶۶	۱۰۶۹	۲۳۸	۵۶۷	۱۲۲۳	۱۲۰۲	۱۳۷۷	۱۱۸۲	۱۳۷۹	۷۱۳	۹۰۷	۱۰۶۰
گیلان	۲۲۲۹۰	۳۳۲۸	۲۰۱۶	۳۱۱	۱۲۰۱	۱۸۸۸	۲۱۰۹	۲۳۲۹	۲۵۲۵	۳۱۵۲	۱۲۹۸	۱۹۳۲	۱۷۷۹
لرستان	۱۳۰۷۸	۱۲۳۳	۱۲۰۳	۳۲۹	۶۲۱	۱۲۹۲	۱۶۵۰	۱۳۳۵	۱۲۲۷	۱۶۵۲	۱۰۰۷	۸۷۱	۱۰۱۵
مازندران	۲۸۲۷۲	۲۸۵۹	۲۷۲۶	۵۳۲	۱۵۹۷	۲۳۵۵	۲۲۷۰	۲۲۹۶	۲۵۶۷	۳۵۵۷	۲۲۳۳	۲۲۵۰	۲۸۱۰
مرکزی	۱۱۳۲۹	۱۳۵۲	۱۲۱۳	۲۵۲	۶۲۶	۱۰۷۷	۱۱۳۶	۹۰۳	۱۰۶۸	۱۲۳۵	۸۳۸	۵۵۶	۱۰۷۳
هرمزگان	۸۱۸۸	۷۲۸	۶۱۶	۶۶۵	۷۳۳	۹۰۰	۱۲۰۱	۶۹۰	۶۱۲	۶۶۱	۳۳۶	۲۰۸	۶۱۸
همدان	۱۵۳۳۰	۱۶۱۹	۹۸۹	۲۱۰	۹۱۳	۱۲۵۷	۱۶۶۲	۱۶۹۰	۱۸۶۶	۲۱۳۸	۵۲۲	۱۳۷۲	۱۰۶۸
یزد	۷۵۸۶	۱۰۳۹	۷۳۳	۱۳۲	۲۵۰	۷۸۵	۸۹۹	۶۵۳	۶۰۲	۸۰۱	۳۵۲	۵۹۲	۵۳۸
جمع	۵۳۱۲۹۰	۵۲۲۰۶	۳۶۸۱۹	۱۵۷۳۳	۳۳۲۲۹	۲۷۳۷۶	۵۲۶۵۲	۵۰۲۵۷	۲۹۰۶۸	۵۹۸۹۳	۳۲۱۲۲	۳۲۰۰۵	۳۶۱۱۸

جدول ۴-۶- ازدواج ثبت شده بر حسب ماههای سال به تفکیک استان در سال ۱۳۷۹

استان	جم	فروردین	اردیبهشت	خرداد	تیر	مرداد	شهریور	مهر	آبان	آذر	دی	بهمن	اسفند
آذربایجان شرقی	۳۴۵۷۲	۳۰۶۰	۹۹۷	۱۹۱۰	۲۲۱۷	۳۳۰۸	۲۱۱۳	۳۲۸۹	۲۲۵۸	۲۸۲۹	۳۰۴۰	۳۸۱۳	۳۳۷۹
آذربایجان غربی	۲۸۱۰۸	۲۸۳۳	۱۳۱۰	۱۲۴۶	۱۹۳۹	۱۸۹۱	۲۴۱۷	۲۱۴۱	۲۵۹۰	۲۶۶۵	۲۲۵۲	۲۲۰۲	۲۱۱۰
اردبیل	۱۲۵۲۷	۱۸۱۲	۲۷۰	۵۱۷	۱۰۷۷	۱۵۶۶	۲۰۱۱	۱۵۲۸	۱۲۳۶	۱۰۸۲	۸۲۸	۱۱۱۲	۱۰۸۸
اصفهان	۲۲۳۷۷	۲۱۲۳	۱۲۲۳	۱۶۵۰	۳۸۲۵	۲۴۱۷	۳۹۹۶	۳۸۲۶	۲۲۲۵	۳۳۶۶	۳۱۷۳	۲۱۰۸	۳۰۸۵
ایلام	۲۸۱۹	۲۶۵	۸۷	۱۲۲	۲۵۶	۲۹۹	۲۶۵	۲۱۹	۲۶۲	۱۹۸	۱۸۹	۲۸۱	۲۵۲
بوشهر	۷۹۸۸	۱۱۲۷	۲۸۹	۲۵۹	۷۶۰	۷۶۸	۶۰۲	۶۲۰	۷۲۸	۵۸۲	۳۸۰	۸۷۵	۸۶۵
تهران	۹۹۶۰۱	۹۲۰۲	۲۲۲۲	۳۳۰۷	۱۰۶۲۰	۱۰۱۸۰	۸۸۹۲	۹۷۷۷	۱۰۹۲۵	۸۰۹۱	۶۲۷۷	۸۲۳۰	۱۰۶۶۵
چهارمحال و بختیاری	۸۲۲۷	۶۵۱	۱۶۳	۳۰۰	۷۳۹	۸۲۰	۱۱۶۹	۸۱۲	۸۸۹	۵۳۱	۶۵۲	۷۸۷	۶۹۳
خراسان	۷۶۲۱۲	۸۰۲۳	۳۳۷۱	۲۹۷۶	۶۸۶۵	۷۲۸۱	۸۱۶۵	۷۵۲۹	۷۰۲۲	۵۷۰۲	۵۵۸۹	۷۳۵۲	۶۳۰۵
خوزستان	۲۳۱۸۹	۲۲۷۸	۱۱۳۰	۱۳۸۱	۲۳۲۳	۳۰۹۵	۲۱۳۳	۲۴۳۳	۳۳۶۰	۲۵۲۰	۱۹۵۸	۳۰۵۹	۲۲۲۹
زنجان	۱۰۳۳۹	۹۱۹	۲۱۲	۳۳۰	۹۲۷	۱۰۱۶	۱۲۱۸	۱۰۲۱	۱۳۸۱	۷۳۳	۶۷۲	۹۲۵	۸۹۵
سمنان	۵۲۴۱	۷۱۵	۱۰۷	۲۶۲	۵۰۴	۵۲۲	۵۹۰	۶۸۹	۵۷۷	۳۱۱	۳۸۲	۲۹۷	۳۷۱
سیستان و بلوچستان	۱۲۱۳۸	۱۲۶۸	۷۶۱	۷۴۲	۱۱۲۰	۱۲۲۵	۹۶۳	۱۱۷۷	۱۱۵۳	۸۳۶	۷۷۵	۹۹۱	۸۹۲
فارس	۲۱۳۶۹	۵۲۶۷	۱۸۵۶	۱۹۷۷	۳۵۲۷	۴۰۶۰	۳۵۹۷	۳۵۷۸	۳۶۷۹	۲۸۲۷	۲۶۱۶	۳۸۱۹	۲۳۶۶
فروین	۱۱۶۳۵	۹۸۲	۲۶۳	۵۹۷	۱۱۰۲	۱۲۴۱	۱۲۳۸	۱۰۵۸	۱۲۱۳	۸۶۶	۷۵۸	۱۱۲۰	۱۲۱۵
قم	۱۰۱۰۲	۸۶۷	۲۶۲	۳۰۷	۹۶۵	۹۰۶	۷۷۱	۹۰۰	۹۸۰	۹۹۷	۷۷۹	۱۰۰۰	۱۰۶۸
کرمانشاه	۱۲۸۷۳	۱۱۹۶	۱۱۱۵	۶۶۱	۱۰۵۲	۸۸۲	۱۲۱۶	۱۱۷۲	۱۲۳۷	۱۳۳۵	۸۱۳	۱۲۶۷	۱۲۳۸
کرمان	۲۱۹۳۹	۳۱۷۶	۵۰۹	۷۳۲	۲۴۶۱	۲۳۰۳	۲۲۸۱	۲۱۵۷	۲۱۶۸	۱۳۶۵	۱۲۵۶	۱۷۱۵	۱۶۰۵
کرمانشاه	۱۸۱۸۳	۱۵۷۲	۸۹۰	۱۱۳۰	۱۲۶۲	۱۵۵۲	۲۲۲۹	۱۶۶۲	۱۸۳۰	۱۳۰۱	۱۳۹۹	۱۷۱۹	۱۶۱۲
گیلان و بویراحمد	۳۷۷۳	۶۵۰	۳۰۹	۲۲۸	۲۵۶	۳۷۲	۲۰۱	۲۰۷	۲۷۳	۲۰۲	۳۱۹	۳۵۹	۳۰۵
گلستان	۱۳۷۵۲	۱۶۳۱	۳۱۲	۵۲۸	۱۳۱۸	۱۲۴۶	۱۵۳۶	۱۳۲۸	۱۶۲۲	۱۲۹۱	۸۹۹	۱۳۷۳	۱۲۳۸
گیلان	۲۴۲۲۲	۲۲۲۱	۸۱۹	۶۳۵	۲۲۶۹	۲۳۷۹	۲۳۲۰	۲۵۲۸	۳۰۳۶	۲۱۷۲	۱۵۵۱	۲۲۲۰	۲۱۰۲
لرستان	۱۷۰۳۱	۱۸۳۶	۵۸۵	۵۱۱	۱۳۳۷	۱۷۳۵	۲۲۱۹	۱۹۳۰	۱۷۱۳	۱۲۸۱	۱۰۷۶	۱۲۰۵	۱۲۰۳
مازندران	۲۲۵۵۶	۳۷۳۵	۱۱۸۷	۱۲۹۲	۲۹۱۹	۲۶۹۲	۲۸۱۵	۲۱۳۳	۳۵۲۲	۲۸۸۳	۲۲۶۱	۲۲۲۳	۳۰۵۷
مرکزی	۱۲۳۸۵	۱۶۶۱	۳۶۹	۵۶۶	۱۳۶۸	۱۲۳۸	۱۳۷۲	۱۲۵۳	۱۲۴۹	۱۰۸۷	۱۰۰۳	۱۲۰۶	۱۲۰۳
هرمزگان	۱۰۱۰۲	۱۱۲۵	۵۹۹	۶۶۵	۱۰۷۹	۸۲۸	۹۳۹	۹۳۰	۹۲۹	۶۲۲	۵۶۸	۸۸۸	۱۰۶۰
همدان	۱۹۰۹۱	۲۱۰۳	۳۲۱	۷۵۹	۱۶۷۸	۱۶۷۱	۲۴۱۵	۱۹۷۸	۲۴۸۷	۱۱۲۵	۱۳۶۷	۱۸۷۲	۱۳۱۵
یزد	۹۸۷۸	۱۳۷۰	۱۶۰	۲۸۱	۹۰۲	۱۰۱۳	۱۰۸۶	۸۶۶	۱۰۹۷	۵۷۵	۷۵۷	۸۹۲	۸۷۸
جمع	۶۶۶۹۸	۷۱۰۷۹	۲۳۷۲۲	۲۳۲۷۱	۵۸۸۰۱	۶۱۱۳۳	۶۵۰۹۲	۶۰۶۸۳	۶۶۶۷۷	۲۹۲۲۶	۲۳۲۰۹	۲۰۱۱۶	۵۹۲۰۸

جدول ۱-۷- طلاق ثبت شده بر حسب ماههای سال به تفکیک استان در سال ۱۳۷۶

استان	جمع	فروردین	اردیبهشت	خرداد	تیر	مرداد	شهریور	مهر	آبان	آذر	دی	بهمن	اسفند
آذربایجان شرقی	۱۷۸۹	۱۲۰	۱۵۵	۱۵۰	۱۲۹	۱۶۳	۱۲۵	۱۹۰	۱۲۸	۱۲۷	۱۱۲	۱۲۹	۱۷۱
آذربایجان غربی	۱۲۰۷	۱۰۴	۱۵۰	۱۰۰	۱۱۲	۱۱۰	۱۱۲	۱۱۲	۱۲۲	۱۲۸	۱۱۷	۱۱۱	۱۱۶
ارمیه	۳۳۵	۲۹	۳۶	۲۶	۳۵	۳۳	۳۸	۳۸	۳۰	۲۲	۲۰	۲۵	۵۱
اصفهان	۲۴۱۲	۱۲۲	۱۸۸	۱۵۹	۲۱۲	۱۹۱	۲۲۰	۲۰۶	۲۳۹	۲۲۷	۱۶۳	۲۰۲	۱۵۱
ایلام	۷۲	۵	۹	۱۰	۳	۸	۷	۳	۸	۹	۲	۲	۶
بوشهر	۲۱۹	۲۰	۲۰	۸	۶۹	۳۷	۳۶	۳۷	۳۷	۲۹	۲۸	۲۵	۳۳
تهران	۱۲۲۱۱	۸۵۵	۱۰۹۹	۱۰۷۲	۱۰۵۱	۱۱۳۱	۱۱۲۰	۱۱۱۹	۹۶۹	۱۰۶۶	۸۲۵	۹۹۹	۹۵۳
چهارمحال و بختیاری	۱۸۲	۸	۱۹	۷	۲۲	۱۸	۱۷	۲۲	۱۲	۷	۱۲	۱۳	۲۰
خراسان	۲۵۹۸	۲۰۷	۲۸۱	۲۱۶	۳۶۹	۲۸۶	۳۸۳	۳۶۲	۳۹۳	۳۳۷	۳۸۱	۳۸۷	۳۹۶
خوزستان	۲۰۳۷	۱۷۷	۱۳۰	۱۲۱	۱۵۲	۱۲۶	۱۲۱	۱۶۱	۱۲۲	۱۵۲	۲۲۶	۱۲۹	۱۸۷
زنجان	۲۲۲	۲۱	۳۸	۳۳	۳۰	۲۵	۳۰	۲۰	۲۷	۲۵	۲۰	۳۳	۳۹
سمنان	۲۵۳	۱۲	۲۳	۱۸	۱۸	۲۳	۲۲	۲۸	۱۵	۲۲	۱۶	۲۵	۲۹
سیستان و بلوچستان	۳۹۲	۱۲	۲۸	۱۶	۲۲	۳۰	۲۲	۲۲	۲۵	۲۹	۵۶	۲۸	۲۱
فارس	۱۹۶۶	۱۰۵	۱۰۸	۲۴۱	۱۲۵	۱۳۱	۲۶۸	۱۱۸	۱۵۸	۱۰۲	۲۵۵	۱۱۶	۲۲۸
آزربین	۶۲۵	۲۶	۳۸	۳۳	۳۳	۳۷	۲۲	۷۰	۳۳	۱۳۰	۳۱	۱۰۸	۲۲
لم	۶۸۲	۳۲	۳۲	۵۰	۶۱	۵۲	۶۷	۵۵	۵۷	۶۰	۶۲	۶۷	۷۲
کرمانستان	۱۱۱۲	۷۳	۹۷	۸۸	۱۰۵	۸۲	۹۹	۸۰	۸۷	۱۰۰	۹۷	۸۳	۱۲۰
کرمان	۱۱۹۲	۱۲۸	۸۲	۱۰۹	۱۰۸	۷۱	۹۲	۹۹	۹۶	۱۰۲	۸۳	۹۹	۱۲۷
کرمانشاه	۱۹۶۹	۱۱۷	۱۸۵	۱۵۷	۱۲۱	۱۶۸	۱۷۹	۱۸۲	۱۲۵	۱۲۸	۱۷۹	۱۵۹	۲۰۹
گیلان و بویراحمد	۱۲۲	۶	۱۲	۹	۱۰	۱۷	۱۰	۱۱	۱۰	۱۲	۱۷	۱۲	۱۵
گلستان	۲۵۸	۲۲	۲۹	۳۰	۲۰	۲۵	۳۷	۳۳	۳۳	۲۲	۲۱	۲۸	۳۳
گیلان	۱۲۹۸	۸۰	۱۰۷	۶۱	۱۰۰	۱۲۲	۱۰۹	۱۲۲	۱۱۵	۱۲۰	۱۰۰	۱۲۷	۱۲۱
لرستان	۱۰۰۰	۷۵	۸۲	۸۵	۸۰	۷۸	۹۳	۷۹	۸۸	۱۱۲	۷۶	۷۸	۷۰
مازندران	۱۷۱۲	۱۳۲	۱۲۲	۱۰۵	۱۲۶	۱۶۶	۱۳۶	۱۲۹	۱۵۶	۱۶۸	۱۲۳	۱۳۵	۱۲۰
مرکزی	۱۰۲۵	۲۷	۳۸	۹	۲۳	۲۶	۳۲	۵۵۰	۳۷	۶۰	۶۷	۶۲	۷۳
هرمزگان	۵۹۲	۲۷	۳۹	۲۲	۲۲	۲۹	۲۵	۹۸	۲۹	۲۲	۲۶	۲۷	۲۸
عمان	۱۲۳۵	۸۳	۸۲	۹۳	۱۱۵	۱۲۷	۹۲	۸۶	۱۱۸	۱۳۱	۸۰	۱۲۲	۱۱۳
یزد	۲۵۰	۱۲	۲۲	۲۰	۱۹	۵۵	۱۰	۱۵	۲۵	۱۵	۱۶	۲۷	۱۲
جمع	۲۱۸۱۶	۲۷۸۹	۳۳۵۹	۲۲۷۳	۲۲۲۵	۲۵۶۱	۲۶۵۸	۲۱۳۲	۲۵۱۷	۲۶۹۲	۳۳۳۳	۳۲۱۱	۳۶۳۲

جدول ۲-۷- ازدواج ثبت شده بر حسب ماههای سال به تفکیک استان در سال ۱۳۷۶

استان	جمع	فروردین	اردیبهشت	خرداد	تیر	مرداد	شهریور	مهر	آبان	آذر	دی	بهمن	اسفند
آذربایجانشرقی	۱۹۸۵	۱۲۷	۱۸۵	۱۸۲	۱۳۲	۱۷۵	۱۶۳	۱۸۰	۱۸۲	۱۸۱	۱۳۱	۱۵۵	۱۴۸
آذربایجانغربی	۱۵۶۲	۹۱	۱۱۵	۱۶۲	۹۹	۱۲۹	۱۲۲	۱۴۸	۱۲۶	۱۲۳	۱۱۸	۱۴۵	۱۸۳
اردبیل	۲۸۸	۲۷	۲۷	۲۳	۲۲	۲۳	۲۸	۲۲	۳۷	۲۹	۲۷	۵۳	۲۸
اصفهان	۲۶۰۲	۱۲۰	۱۸۱	۲۱۲	۲۱۰	۱۹۵	۲۵۹	۲۵۶	۲۱۲	۱۹۸	۲۶۲	۲۲۹	۲۲۲
ایلام	۸۷	۳	۸	۸	۹	۸	۶	۱۰	۸	۵	۱۱	۷	۳
بوشهر	۲۲۰	۱۶	۲۳	۳۳	۲۸	۲۶	۲۲	۲۲	۳۰	۲۷	۲۳	۳۰	۲۹
تهران	۱۱۳۳۸	۵۶۲	۹۳۸	۱۰۸۵	۸۵۹	۱۱۳۳	۹۹۲	۱۱۰۷	۹۶۸	۸۶۷	۸۲۱	۱۰۳۰	۹۳۲
چهارمحال و بختیاری	۱۹۷	۱۰	۱۲	۲۱	۱۰	۲۷	۹	۱۳	۵	۲۵	۹	۱۵	۳۱
خراسان	۳۸۰۲	۲۴۲	۲۲۶	۳۳۰	۲۸۲	۳۰۸	۳۲۹	۳۵۱	۲۶۸	۳۱۹	۳۶۲	۳۳۴	۳۹۱
خوزستان	۲۰۳۳	۹۹	۲۲۹	۱۷۸	۱۸۵	۱۵۵	۱۳۷	۱۳۶	۱۷۲	۱۶۹	۱۵۱	۱۹۸	۲۰۲
زنجان	۲۰۷	۲۲	۲۳	۲۸	۲۵	۲۵	۲۹	۲۰	۲۹	۲۹	۲۳	۳۸	۲۹
سمنان	۲۳۰	۱۲	۲۲	۲۳	۲۲	۲۳	۱۸	۲۱	۲۷	۱۳	۱۲	۲۲	۱۶
سیستان و بلوچستان	۳۳۷	۲۳	۳۲	۳۵	۲۱	۳۷	۲۵	۳۹	۲۸	۳۱	۳۳	۲۸	۲۲
فارس	۲۵۲۵	۸۲	۶۵	۳۶۷	۲۲۲	۲۲۵	۱۷۳	۲۶۲	۱۸۹	۲۲۳	۱۶۳	۲۳۰	۳۲۲
قزوین	۵۱۰	۲۱	۳۰	۳۳	۹۵	۴۲	۳۹	۸۲	۳۰	۳۶	۵۸	۲۲	۵۸
قم	۶۷۶	۵۲	۲۵	۱۹	۷۰	۷۰	۵۱	۵۶	۶۶	۶۰	۵۹	۵۸	۷۰
کرمانستان	۱۲۶۶	۹۰	۱۰۷	۱۰۴	۹۵	۸۲	۸۶	۱۰۷	۱۱۲	۱۰۳	۱۰۸	۱۳۸	۱۲۲
کرمان	۱۱۰۳	۶۲	۹۱	۹۳	۱۰۰	۶۲	۱۲۹	۱۰۲	۷۹	۱۲۵	۶۲	۷۹	۱۱۶
کرمانشاه	۱۹۷۸	۱۵۶	۱۳۸	۱۵۰	۱۲۹	۱۶۱	۱۸۷	۱۶۹	۱۵۵	۱۸۷	۱۶۳	۲۰۲	۱۷۰
گیلوی و بویراحمد	۱۶۳	۳	۱۲	۷	۱۵	۲۱	۱۸	۱۵	۲۲	۸	۱۸	۱۰	۱۲
گلستان	۳۷۹	۲۹	۳۸	۳۲	۳۲	۳۱	۳۸	۲۹	۲۹	۳۵	۳۲	۳۳	۵۷
گیلان	۱۳۳۹	۶۲	۱۰۲	۸۵	۱۲۳	۹۰	۱۰۳	۱۰۵	۱۰۳	۹۱	۱۰۳	۱۳۶	۱۳۶
ارستان	۱۰۵۲	۸۲	۸۲	۹۲	۷۳	۷۲	۹۲	۹۹	۸۷	۹۶	۹۲	۸۳	۱۰۲
مازندران	۱۸۳۰	۱۱۰	۱۶۳	۱۲۲	۱۲۲	۱۵۷	۱۵۲	۱۶۱	۱۵۳	۱۶۲	۱۵۱	۱۵۲	۱۸۱
مرکزی	۷۹۳	۷۹	۶۷	۲۰	۱۱۶	۷۵	۵۳	۵۳	۷۲	۶۳	۷۹	۳۳	۸۲
هرمزگان	۶۶۲	۲۶	۶۶	۶۹	۷۱	۶۰	۶۷	۷۹	۵۳	۳۹	۲۹	۳۰	۵۳
همدان	۱۲۱۸	۸۵	۹۷	۱۰۲	۹۹	۱۱۲	۹۵	۸۲	۱۰۳	۱۲۰	۱۰۰	۱۱۸	۱۰۳
یزد	۲۰۱	۱۳	۱۷	۲۲	۹	۱۶	۱۲	۲۲	۱۷	۱۲	۵	۲۳	۲۱
جمع	۲۲۳۹۱	۲۳۳۲	۲۳۱۲	۲۸۱۳	۲۳۷۰	۳۷۰۶	۳۵۶۸	۳۸۲۲	۳۵۲۱	۳۵۳۲	۳۲۶۱	۳۸۱۲	۳۰۳۹

جدول ۳-۷ - طلاق ثبت شده بر حسب ماههای سال به تفکیک استان در سال ۱۳۷۸

استان	جمع	فروردین	اردیبهشت	خرداد	تیر	مرداد	شهریور	مهر	آبان	آذر	دی	بهمن	اسفند
آذربایجان شرقی	۲۰۲۳	۱۲۵	۱۸۰	۱۷۲	۱۶۵	۱۸۵	۱۷۶	۱۹۷	۱۹۲	۱۶۵	۱۳۷	۱۲۷	۱۶۵
آذربایجان غربی	۱۶۵۷	۱۰۷	۱۱۹	۱۲۶	۱۱۶	۱۲۶	۱۲۶	۱۵۳	۱۵۸	۱۶۸	۱۳۱	۱۷۸	۱۲۹
اردبیل	۶۲۸	۳۶	۵۰	۳۲	۳۲	۳۵	۵۳	۷۲	۵۳	۶۲	۵۳	۵۲	۶۲
اصفهان	۳۱۹۹	۲۳۷	۲۶۷	۲۶۵	۲۶۵	۲۷۲	۳۰۸	۲۵۶	۲۶۲	۲۷۷	۲۹۹	۲۸۷	۲۲۲
ایلام	۷۸	۵	۲	۳	۹	۷	۷	۲	۹	۱۰	۶	۱۰	۷
بوشهر	۵۱۵	۱۲	۲۲	۳۲	۲۷	۲۲	۲۲	۲۰	۲۲	۲۷	۲۱	۲۲	۲۰
تهران	۱۲۰۶۵	۷۳۹	۱۰۹۲	۱۱۱۵	۱۱۱۲	۱۳۷۱	۱۱۹۶	۱۳۱۷	۱۲۰۷	۱۰۶۸	۱۱۳۸	۱۲۰۱	۱۳۰۸
چهارمحال و بختیاری	۱۶۵	۲	۱۳	۶	۷	۸	۶	۲۶	۲۱	۱۶	۲۲	۲۲	۱۲
خراسان	۶۰۲۷	۲۱۰	۲۵۳	۲۹۲	۵۱۷	۵۲۶	۲۷۵	۵۲۶	۲۵۱	۵۵۳	۲۲۵	۲۶۰	۵۵۷
خوزستان	۲۰۵۱	۹۷	۱۵۸	۱۵۸	۱۶۹	۱۸۶	۱۶۰	۱۸۲	۱۸۹	۱۸۶	۱۶۵	۱۹۶	۲۰۵
زنجان	۶۶۷	۳۷	۵۲	۳۶	۳۲	۱۵۳	۳۸	۵۲	۵۲	۵۲	۴۱	۲۲	۵۰
سمنان	۳۳۸	۱۲	۱۶	۱۸	۱۶	۲۳	۲۶	۱۷	۲۰	۲۲	۱۷	۳۵	۲۶
سیستان و بلوچستان	۹۷۲	۵۲۰	۲۷	۲۸	۵۵	۳۱	۳۲	۵۹	۳۰	۳۷	۲۲	۳۳	۵۶
فارس	۲۹۸۵	۱۲۵	۲۵۸	۱۹۰	۲۱۹	۲۲۲	۲۳۷	۳۲۲	۲۶۲	۲۶۲	۲۶۲	۳۲۱	۲۳۷
قزوین	۲۸۲	۲۸	۳۶	۳۶	۳۲	۳۲	۲۹	۵۳	۳۸	۳۳	۲۵	۵۰	۳۸
قم	۸۸۶	۳۸	۷۲	۹۵	۸۳	۶۹	۸۹	۸۱	۵۷	۵۸	۷۶	۸۳	۸۲
کرمانستان	۱۲۶۵	۹۰	۱۲۲	۱۰۱	۹۲	۱۳۷	۱۰۹	۱۰۷	۹۶	۹۰	۸۵	۹۶	۱۲۰
کرمان	۱۱۵۰	۶۵	۸۷	۹۰	۱۰۵	۹۸	۱۰۶	۱۰۱	۱۰۹	۷۷	۹۰	۹۵	۱۲۷
کرمانشاه	۲۱۵۰	۱۲۰	۱۷۷	۱۳۵	۱۹۳	۲۱۰	۲۰۷	۱۷۹	۱۲۲	۲۰۰	۱۴۷	۱۸۹	۱۶۹
کهگیلویه و بویراحد	۲۱۶	۱۷	۲۰	۱۳	۱۸	۹	۲۱	۱۷	۱۶	۲۲	۱۲	۲۵	۲۲
گلستان	۲۷۲	۳۰	۳۳	۳۵	۲۹	۳۷	۳۸	۳۷	۳۳	۲۵	۲۰	۵۱	۳۵
گیلان	۱۵۵۵	۱۰۲	۱۱۳	۱۱۱	۱۱۵	۱۹۵	۱۱۵	۱۶۵	۱۲۰	۹۶	۱۳۷	۱۳۸	۱۲۸
لرستان	۱۱۶۵	۵۵	۷۷	۱۱۶	۹۳	۱۲۶	۱۱۲	۱۰۷	۸۵	۱۰۹	۸۵	۹۵	۱۰۳
مازندران	۲۱۳۷	۱۱۶	۱۶۵	۱۹۱	۱۷۱	۱۷۲	۱۶۰	۲۲۲	۱۸۲	۱۸۲	۱۵۸	۲۰۱	۲۱۳
مرکزی	۱۰۰۶	۶۲	۵۲	۱۰۵	۸۰	۶۶	۱۷۲	۷۹	۵۲	۸۳	۶۲	۸۵	۱۰۲
هرمزگان	۲۱۰	۳۷	۳۳	۷۹	۵۲	۷۱	۵۳	۲۷	۳۷	۶۷	۵۹	۶۸	۵۸
همدان	۱۳۴۰	۵۷	۹۲	۱۲۱	۱۱۱	۱۳۲	۱۳۰	۱۲۸	۱۳۲	۱۲۲	۱۱۶	۱۶۱	۱۳۲
یزد	۲۲۱	۷	۱۱	۱۵	۳۰	۱۸	۲۵	۱۹	۱۳	۱۶	۲۲	۲۲	۱۹
جمع	۵۰۱۷۹	۳۲۰۲	۳۸۵۲	۳۹۳۸	۴۰۱۲	۳۶۰۲	۳۳۶۲	۳۵۶۷	۳۱۲۱	۳۰۳۰	۳۸۸۳	۳۸۲۰	۳۵۷۸

جدول ۴-۷- طلاق ثبت شده بر حسب ماههای سال به تفکیک استان در سال ۱۳۷۶

استان	جمع	فروردین	اردیبهشت	خرداد	تیر	مرداد	شهریور	مهر	آبان	آذر	دی	بهمن	اسفند
آذربایجان شرقی	۱۸۶۱	۹۳	۱۲۹	۱۵۹	۱۲۶	۱۹۱	۱۵۲	۱۲۲	۱۵۸	۱۳۹	۱۸۷	۱۹۰	۱۶۳
آذربایجان غربی	۱۷۴۴	۱۱۶	۱۳۷	۱۲۱	۱۳۷	۱۵۱	۱۲۶	۱۵۱	۱۵۲	۱۵۹	۱۳۰	۱۸۳	۱۸۰
اردبیل	۷۹۶	۲۵	۶۲	۶۵	۷۲	۶۲	۷۱	۷۵	۷۸	۶۵	۶۸	۶۹	۶۲
اصفهان	۳۱۲۹	۲۰۲	۲۶۷	۲۸۲	۲۸۰	۳۲۲	۲۷۹	۲۷۲	۲۲۲	۲۷۳	۲۳۲	۲۲۶	۲۳۸
ایلام	۹۲	۱۰	۵	۶	۶	۶	۶	۶	۱۰	۱۰	۸	۹	۱۲
بوشهر	۶۳۶	۳۷	۴۶	۵۰	۶۸	۲۵	۳۷	۵۸	۳۰	۳۳	۳۸	۳۸	۸۶
تهران	۱۶۳۳۲	۷۷۷	۱۵۲۷	۱۲۷۹	۱۲۶۱	۱۳۲۷	۱۳۳۶	۱۳۲۲	۱۳۶۶	۱۳۳۹	۱۳۴۲	۱۳۳۷	۱۵۱۹
همدان و بروجرد	۴۲۶	۲۱	۲۰	۱۷	۲۲	۸	۲۵	۱۳	۱۵	۲۲	۱۷	۲۶	۱۷
خراسان	۶۳۲۷	۳۸۲	۵۹۶	۵۳۸	۲۹۶	۵۳۸	۵۲۱	۵۱۱	۳۵۹	۶۳۲	۵۰۸	۶۰۲	۵۴۸
خوزستان	۲۱۴۱	۱۱۹	۲۲۱	۱۶۹	۱۷۵	۱۷۵	۱۸۷	۱۸۵	۱۸۳	۱۳۸	۲۰۳	۱۸۲	۱۹۲
زنجان	۵۵۰	۲۹	۵۰	۳۸	۳۷	۵۵	۵۱	۳۸	۳۸	۳۸	۳۵	۲۹	۵۲
سمنان	۲۹۲	۱۷	۲۸	۲۱	۲۲	۲۲	۲۰	۱۹	۲۲	۳۱	۲۰	۲۵	۲۹
سیستان و بلوچستان	۲۲۸	۱۵	۲۱	۳۱	۲۱	۳۸	۸۳	۳۳	۳۶	۲۵	۲۵	۳۲	۲۶
فارس	۳۲۰۰	۱۷۳	۳۱۰	۲۳۲	۲۳۲	۲۹۰	۲۶۰	۲۸۶	۲۳۳	۲۶۷	۲۸۲	۲۸۶	۳۲۵
قزوین	۶۲۱	۳۸	۵۵	۳۲	۳۲	۵۰	۵۱	۶۲	۳۷	۵۵	۶۰	۷۰	۵۷
قم	۹۹۲	۵۷	۶۳	۸۳	۹۲	۶۳	۷۷	۹۹	۸۶	۸۱	۹۹	۹۷	۹۵
کرمانستان	۱۳۲۱	۸۳	۱۲۲	۱۲۲	۱۰۲	۹۵	۱۲۵	۹۹	۱۲۲	۱۰۵	۱۶۸	۱۳۵	۱۳۱
کرمان	۱۱۶۷	۷۵	۸۶	۱۰۲	۱۱۲	۱۰۶	۱۰۹	۸۲	۹۳	۹۶	۱۱۱	۱۲۵	۷۵
کرمانشاه	۲۱۷۲	۱۲۶	۱۹۳	۱۷۶	۱۵۲	۲۰۳	۱۷۰	۱۸۱	۱۵۲	۱۹۶	۲۰۲	۲۰۷	۱۹۲
گلپایگان و بویراحمد	۲۰۵	۱۲	۲۲	۱۷	۱۷	۱۲	۱۸	۲۲	۱۷	۲۰	۱۲	۱۶	۱۸
گلستان	۶۹۱	۲۳	۵۲	۵۷	۵۹	۶۱	۵۷	۵۷	۶۱	۵۹	۶۰	۵۱	۷۳
گیلان	۱۵۳۲	۱۱۵	۱۱۵	۱۰۳	۱۲۳	۱۲۳	۱۱۲	۱۳۰	۱۳۸	۱۳۵	۱۳۸	۱۳۷	۱۵۰
لرستان	۱۱۳۷	۹۶	۱۲۱	۱۱۲	۸۶	۸۵	۸۷	۸۵	۸۱	۹۲	۸۹	۹۵	۹۸
مازندران	۳۳۳۸	۱۵۷	۲۰۹	۱۶۷	۲۰۹	۲۰۶	۲۰۸	۲۳۸	۱۸۶	۱۷۳	۱۶۳	۲۲۶	۱۹۲
مرکزی	۱۰۸۷	۷۳	۷۲	۸۸	۸۲	۷۲	۹۸	۹۱	۹۰	۷۹	۹۸	۱۲۲	۱۱۷
هرمزگان	۸۱۶	۵۶	۱۰۶	۹۶	۶۷	۶۲	۳۹	۶۶	۶۶	۳۳	۵۷	۳۸	۷۸
همدان	۱۳۹۰	۸۱	۱۳۵	۱۲۵	۱۲۱	۱۱۱	۱۱۷	۱۳۸	۱۳۱	۱۰۹	۱۳۸	۱۳۶	۱۳۸
یزد	۲۵۶	۱۲	۱۵	۲۰	۱۹	۲۲	۲۵	۳۱	۲۰	۲۲	۲۵	۱۸	۲۵
جمع	۵۳۷۹۷	۳۰۷۶	۳۸۵۵	۳۳۳۹	۳۳۰۹	۳۵۰۲	۳۶۱۳	۳۵۶۷	۳۳۲۶	۳۹۰۱	۳۶۶۲	۳۷۵۲	۳۸۹۲

خلاصه بررسی :

تغییرات روزافزون طلاق بعنوان یک رویداد حیاتی مهم و اثر گذار در جامعه و تداوم حیات خانواده ها به یک فرایند قابل تامل تبدیل شده است و این نگرانی را تقویت می کند که تداوم مسیر فعلی زندگی موجب تشدید فروپاشی خانواده ها خواهد شد.

- تحولات طلاق نیازمند بررسی ویژه است و می باید در این زمینه اقدام شایسته ای بعمل آید و حتی بررسی مداوم آن در شرائط فعلی قابل توصیه است.

- اقلام اطلاعاتی و آماری گردآوری شده تکافوی احتیاجات اجتماعی در این زمینه را نمیدهد و می باید برای گرد آوری اطلاعات تکمیلی اقدام شود.
- ساماندهی آمارهای طلاق از ضرورت هاست و بدون این امر امکان استنباط علمی و قابل اعتماد با اختلال روبرو خواهد بود.
- وجود نوسانات فصلی در ازدواج و طلاق مشهود است و عموماً ماه فروردین شاهد ثبت کمترین تعداد طلاق است.
- بالابودن نرخ طلاق در تهران بدلائل متعدد از جمله حجم قابل ملاحظه جمعیتی استان، مرکزیت تهران و تعقیب الگوی رفتاری آن توسط ساکنین سایر استانها نیازمند بررسی جداگانه است.
- افزایش شاخص طلاق در استانهای اصفهان، شیراز و قم حائز اهمیت است. این استانها بسرعت در حال کم کردن فاصله خود با تهران هستند.